



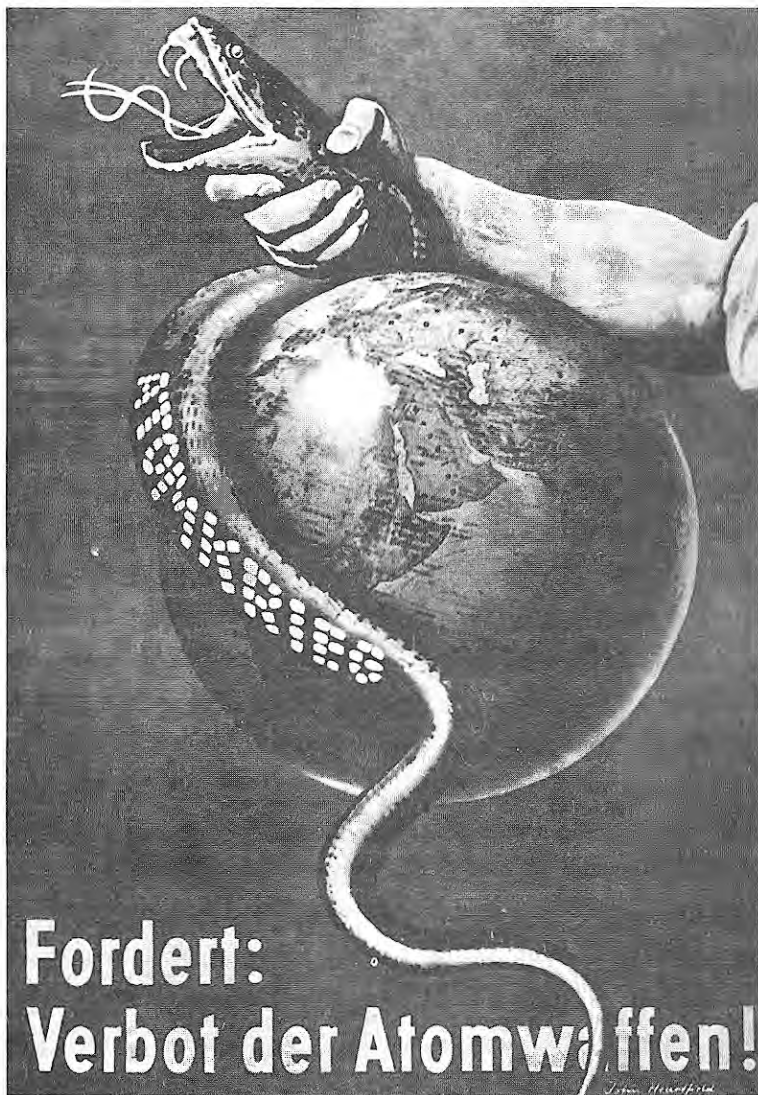
پرولترهای جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۵

آذر - دی

سال ۱۳۶۴



Fordert: Verbot der Atomwaffen!

قدغن کردن سلاح هسته ای را خواستار شوید!
پوستر جون هارنفیلد (جمهوری دموکراتیک آلمان) از نمایشگاه
سازمان بین المللی روزنامه نگاران «پوستر رزمنده» (پراگ مه - ژوئن سال ۱۹۸۵)

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۱۴ - ۳	مسئولیت ملی و انترناسیونالیسم کمونیزم ها	دیمیترا ستانیشف
۲۵ - ۱۵	برای ایجاد "پل حسن همجواری"	حیدر کوتلو
۲۹ - ۲۶	د رمسیر پیشرفت و ترقی	کلیس داسیلوا
۳۸ - ۳۰	د باره تغییراتی که در سیستم کار پدید آمده است	روبرت شتاگر والد
۴۹ - ۳۹	د آغاز مرحله ای د شوار	محمد ابراهیم نقود
۵۴ - ۵۰	"ریزوسپاستیسم" ندای حقیقت است	ولا دیمیر شلیپین
۶۰ - ۵۵	اتحاد شوروی د نقطه مقابل نقشه های میلیتاریزه کردن فضای کیهانی چه ارائه میکند	-
۶۳ - ۶۱	خبرهای کوتاه	-

مسئولیت ملی و انترناسیونالیسم کمونیست ها

دیمیتر استانیشف

دبیرکمیته مرکزی حزب کمونیست
بلغارستان

ازوقتی که ک. م. مارکس و ف. انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" شعار "پرولترهای جهان متحد شوید!" را پیش کشیدند، مسئله مسئولیت ملی و انترناسیونالیسم کمونیست ها و تناسب میان ملی و انترناسیونال در فعالیت انقلابی - درگرون سازنده آنها جای اصلی را دارا میباشند. گ. دیمیتروف با تأکید بر ارتباط ناگسستگی این دو موضوع خاطر نشان میساخت که: "انترناسیونالیسم پرولتری نه فقط با مبارزه زحمتکشان کشورهای مختلف در راه آزادی ملی، اجتماعی و فرهنگی در تضاد نیست، بلکه در پرتو همبستگی بین المللی پرولتری و وحدت رزمجویانه پشتیبانی لازم برای پیروزی در این نبرد را هم تأمین میکند" (۱).

برخورد طبقاتی به مسئولیت ملی و انترناسیونالیستی که ویژه جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی از همان آغاز پیدایش آنست، هیچ وجه مشترکی با نیهیلیسم "نفی گرائی" ملی ندارد. بعکس، برخورد طبقاتی نیازمند توجه بسیار جدی به خصائص ویژه، سنن و شرایط مبارزه است. در همین حال ملی گرائی (ناسیونالیسم) راهم که برای طبقه کارگرو زحمتکشان بیگانه است و با منافع حیاتی آنان در تضاد میباشد مردود می شمارد. تجارب عملی احزاب برادری که این برخورد طبقاتی را رهنمود خود قرار میدهند بهترین دلیل ارجح و اهمیت با ثبات و زوال ناپذیر آنست.

حزب کمونیست بلغارستان که در سال ۱۸۹۱ بمنزله پیشرو انقلابی طبقه کارگر پدید آمد، در تمام مراحل فعالیت خود مانند: مبارزه علیه حاکمیت بورژوازی، در دوران ساختمان پایه های سوسیالیسم و اکنون در جریان بوجود آوردن جامعه سوسیالیستی پیشرفته، مسئولیت ملی و انترناسیونالیستی را ماهرانه با هم تلفیق کرده و تأویح میسازد. اصول انترناسیونالیسم پرولتری در نخستین اسنادی که حزب به تصویب رسانید اعلام گردید. در آن اسناد گفته میشود:

۱ - گ. دیمیتروف، مجموعه آثار (زبان بلغاری) جلد ۱۰، صوفیه، سال ۱۹۵۴، ص ۱۱۵.

آزادی طبقه کارگر بلغارستان و وظیفه مستقیم و بلاواسطه ما است ، ولی انجام آن با پیروزی پرولتاریا در سایر کشورها سخت بهم پیوسته است .

سوسیال دموکراتهای انقلابی بلغارستان از دیک مارکسیستی انترناسیونالیسم در مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی در زامدت ، حادث سازش ناپذیر دفاع کردند . حزب در همان سال ۱۹۰۳ صفوف خود را از تجدید نظرطلبان و اپورتونیست ها پاک ساخت . این حزب در جنبش کارگری بین الطلی (پس از آنکه قاطعانه با انترناسیونال دوم قطع ارتباط نمود) در صف حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه که بوسیله و. ای . لنین رهبری میشد قرار گرفت ، زیرا لیدران انترناسیونال دوم به انترناسیونالیسم پرولتری خیانت کردند . حزب دلیرانه و بیگیرطیه جنگ امپریالیستی و در راه صلح و همبستگی بین الطلی کارگری مبارزه میکرد .

حزب ما از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بگری استقبال کرد و با تمام نیرو از جمهوری شوراهای کممیلود انقلاب اکتبر بود پشتیبانی بعمل آورد . حزب کمونیست بلغارستان از بنیانگذاران انترناسیونال کمونیستی بود و با تمام ترکیب خود بدان پیوست . این حزب بر رهبری دیمیتروف و همرزمانش
براه تبدیل شدن به حزب نو طراز لنینی گام نهاد .

دفاع همه جانبه از حکومت جوان کارگران و دهقانان را که در روسیه پدید آمده بود ، کمونیست های بلغارستان وظیفه خود اعلام کردند . موضع حزب در این مسئله را به دقیق ترین و روشن ترین وجهی دیمیتروف بیان داشت که هر خورد به اتحاد شوروی را " سنگ محک " انترناسیونالیسم انقلابیون پرولتری نامید . در سخنان او نه فقط به نقش عظیم اتحاد جماهیر شوروی بمنزله نخستین سازنده جامعه نوا احترام شده است ، بلکه بدین نکته نیز اشاره شده است که استحکام همه جانبه آن عامل نیرومند تسریع و تعمیق پروسه انقلابی جهانی ، تحقق انقلابهای سوسیالیستی در سایر کشورهای دسایر قاره ها است .

از نظریه لنین درباره پیروزی انقلاب سوسیالیستی ابتدا در یک کشور جداگانه ، نتایج پراهمیتی درباره مسئولیت ملی و انترناسیونالیستی کمونیست ها بدست میآید . در ورعای جدائی تدریجی کشورهای گوناگون از میصمت سرمایه داری (بمنسبت فراهم شدن شرایط عینی و ذهنی) پدید میآید و از احزاب کمونیست طلب میکرد ضمن کار بهمت اصول تئوری انقلابی با توجه بسیار زیاد به شرایط ملی و سنن و مصالح ملی برخورد کنند .

سازگار شدن با شرایط تازه برای حزب کمونیست بلغارستان پروسه و طرفه ای بود . از یک سو همواره از تجربه فنی جنبش کمونیستی بین الطلی و در درجه اول تجربه اتحاد شوروی با توجه به ویژگی های خاص کشور استفاده میکرد . از جمله حزباً آموزش لنین درباره ایجاد و تحکیم اتحاد طبقه

کارگزاران هفتانان زحمتکش را بنوعی شرط مقدم پیروزی انقلاب سوسیالیستی پذیرفتند . طی ربع قرن سازمان دهنده یا شرکت کننده در چهار عصیان مسلحانه علیه سرمایه داری و فاشیسم بود که در همه حال بر پایه اتحاد بانبروهای چپ گرا و اتحاد توده ای کشاورزان بلغارستان صورت میگرفت . از طرف دیگر ، حزب بنظر ارنجام و وظیفه انترناسیونالیستی خود ، باشکال مختلف از مبارزه زحمتکشان دنیا سرمایه داری پشتیبانی بعمل میآورد . صد هاتن از کمونیست های بلغارستان در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثرو مبارزه با مداخلهگران خارجی که در تلاش خفگی آن بودند و همچنین در مبارزه برای دفاع از اسپانیا جمهوری و در جنبش مقاومت علیه اشغالگران هیتلری در تعدادی از کشورهای شرکت جستند .

در رویداد درخشان در زندگی حزب ما ، در فاصله بین دو جنگ جهانی ، دلیل و برهان قانع کننده ای در اثبات تلفیق مسئولیت پذیری ملی کمونیست ها با انترناسیونالیسم آنهاست . در عصیان ضد فاشیستی سپتامبر سال ۱۹۲۳ حزب کمونیست بلغارستان دست اندر کار ارنجام وظیفه ملی خود بدین شرح بود که از برقراری دیکتاتوری فاشیستی در کشور جلوگیری کند ، ولی در همین حال میباید وظیفه انترناسیونالیستی خود را هم انجام دهد . این وظیفه عبارت بود از مناعت از شاهه جغرافیائی هر چه بیشتر " طاعون قهوه ای " که در جهان ظاهر شده بود . در دوران محاکمات لیبیزیک در سال ۱۹۳۳ گ . دیمیتروف نه فقط از مردم بلغارستان و حزب ما بلکه از آلمانهای سراسر جنبش کمونیستس و کارگری هم در برابر اتهامات دشتناک فاشیست ها بطور درخشان دفاع کرد .

کمونیست های بلغارستان در سالهای مبارزات ضد سرمایه داری و ضد فاشیستی همواره به پشتیبانی و همبستگی برادرانه کمونیست های جهان متکی بودند . سهم جنبش کمونیستی بین - الطلی و نیروهای مترقی در افشای سببیت فاشیسم در بلغارستان ، پس از سرکوب عصیان سپتامبر سال ۱۹۲۳ ، در پیروزی دیمیتروف در لیبیزیک و نقش قاطع ارتش شوروی در پیروزی عصیان مسلحانه ضد فاشیستی نهم سپتامبر سال ۱۹۴۴ برای همیشه در خاطره سیاسکد از مردم بلغارستان باقی میماند .

تلفیق درست مسئولیت ملی و تعهد انترناسیونالیستی کمونیست ها پس از پیروزی انقلاب

سوسیالیستی در کشور ما بویژه اهمیت زیادی پیدا کرد .

این پیروزی برهبری حزب کمونیست بلغارستان بدست آمد که مسئولیت ملی خود را در ناپودی حاکمیت بورژوازی و استثمار انسان بوسیله انسان در سرزمین بلغارستان عمیقاً درک کرده بود . این پیروزی در همین حال سهم خلق ما در ارنجام بهترین وظیفه انترناسیونالیستی نیروهای

مترقی یعنی سرکوب‌فاشیسم هیتلری گردید . در نبرد علیه فاشیسم در مراحل نهایی جنگ‌د هها هزار تن از سربازان ارتش بلغارستان توده ای جان خود را فدا کردند . و بالاخره انقلاب نهم سپتامبر بمنزله بخش تفکیک ناپذیر گرد از سرمایه داری به سوسیالیسم دست آورد خلق ما وطبقه کارگر جهان در آن واحد بود .

انقلاب سوسیالیستی کشور ما از زلبه ملی تازه ای رها نید ، تمامیت ارضی آنرا حفظ کرد ، استقلال و حاکمیت آنرا احیا نمود ، مردم را ازستم سیاسی بورژوازی نجات داد و نیروی توان آنرا آزاد کرد . انقلاب با گشودن راه‌ها بروی نیروهای سازنده شرایط مادی و سیاسی لازم را برای برطرف ساختن عقبماندگی و تأمین اعتلای پرشتاب اقتصاد و فرهنگی و تحقق آرمانهای جاویدان بلغارهای یعنی آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی فراهم ساخت .

حزب کمونیست بلغارستان در شرایطی که پس از انقلاب بوجود آمده بود مساعی خود را در این راه متمرکز ساخت که پیروزی نظام اجتماعی نورا بطور اطمینان بخشی تأمین کند و با موفقیت در راه سوسیالیسم به پیش رود . کمونیست‌ها با توجه به منافع زحمتکشان بلغارستان و از دیدگاه منافع طبقاتی پرولتاریا جهانی به انجام این وظیفه کمر بستند . تجربه ساختمان سوسیالیستی ما نشان میدهد که حزب قادر است تمام و کمال مسئولیت ملی خود را بعهده گیرد و در عین حال وظیفه انترناسیونالیستی خویش را هم بطوری سبگیر انجام دهد .

حزب کمونیست بلغارستان در جریان ساختمان جامعه نوقانونمند بهیای عام گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را با کار میسمت . تصادفی نیست که رفیق ت . ژبوکف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان انقلاب سوسیالیستی نهم سپتامبر را " تکرار انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در حد اصول عمده آن . . . در شرایط کشور ما " (۱) نامید . در ضمن حزب این سخنان لنین را هم بخاطر داشت که : " در برخورد های کنکرت هر کشور به حل و فصل و انجام وظیفه واحد انترناسیونالیستی " باید " ویژگی ملی و ملی تپهیک را بررسی کرد ، آموخت ، جستجو کرد ، یافت و گرفت . . . " (۲) .

حزب کمونیست بلغارستان در سنت بر پایه تلفیق قانونمند بهیای عام با ویژگیهای تپهیک کشور در پنجمین کنگره خود در سال ۱۹۴۸ برنامه جامع ساختمان سوسیالیسم را از طریق کار میسمت خلاق مارکسیسم - لننینیسم تهیه و تدوین کرد .

حزب در مرحله نخستین با وجود دشواریهای بیشمار هر اسی بخود راه انداد و در برابر آنها

۱ - ت . ژبوکف . مجموعه آثار (بزبان بلغاری) جلد ۴ ، صوفیه ، ۱۹۷۵ ، صفحه ۱۷۸ .

۲ - و . ای . لنین . مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۴۱ ، صفحه ۷۷ .

عقب نشیمنست . میدانیم که بلغارستان بدست فاشیسم محلی بورشکستگی کشانده شده و از طرف هیئت‌ریها غارت شده بود . کشور ما از لحاظ سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی در اروپا در یکی از ردیف های آخر قرار داشت . کشوری بود با صنایع ضعیف ، کشاورزی خرد ماکلاشی پراکنده کوچک عقبماندگی شدید از لحاظ آموزش و پرورش و تأمین اجتماعی و بهداشت و مانند اینها . در جریان انجام قرارهای کنگره پنجم ما ناگزیر شدیم تمام اینها را در نظر بگیریم .

حزب کمونیست بلغارستان در تئوری انقلاب سوسیالیستی هم سهم خود را ادا کرد .

افکار و نظریات دیمیتروف در باره حکومت خلقی - دموکراتیک بمنزله یکی از اشکال دیکتاتوری پرولتاریا و در باره تعاونی های کار در کشاورزی بمنزله شکل سوسیالیستی اداره امور کشاورزی ضمن حفظ مالکیت تمام اعضای تعاونی بر زمین که مشترکاً روی آن کار میکنند نمونه ای از آنست .

کمونیست های بلغارستان در همان نخستین مرحله ساختن جامعه نوپس این عقیده

بودند که گسترش همکاری با کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه با اتحاد شوروی شرط لازم انجام وظائف ملی است . بدون کمک اتحاد شوروی و بدون روابط گسترده و سودمند برای طرفین با

سایر کشورهای برادر ساختن سوسیالیسم در بلغارستان غیر قابل تصور بود . حزب در آنترناسیو -

نالیسم و همکاری بین المللی همواره " ضامن موجودیت مستقل و پیشرفت و ترقی و پیشروی کشور ما بسوی سوسیالیسم " (۱) را امیدید . حزب کمونیست بلغارستان که به وصایای لنین صادق و وفادار بود همواره کوشش در راه ایجاد سوسیالیسم پیشرفته را بمنزله یک وظیفه ملی و در عین حال انتر-

ناسیونالیستی بشمار میآورد ، زیرا لنین تأکید کرده بود که نظام نو ، پس از پیروزی انقلاب پرولتری بیش از هر چیز دیگر بوسیله موفقیت های خود در عرصه اقتصاد و در عقبه جهان تأثیر خواهد بخشید .

پلنوم تاریخی کمیته مرکزی در آوریل سال ۱۹۵۶ که اصول و موازین لنینی زندگی حزبی را

احیا کرد و آغازگر مشی نوسازنده آوریل بود از مهمترین رویداد ها در زندگی حزب کمونیست بلغارستان است . دوران بعدی از فعالیت های خلاق در عرصه تئوری و پراتیک ساختن سوسیالیستی

غنی است که شمرا ندیشه جمعی حزب بسم پرستی ت . ژوبوگف میباشد . صحبت بر سر برقراری مبنای اجتماعی - دولتی در رهبری فرهنگ ، دانش و اقتصاد و یک سلسله رهنمود های تازه در ارتباط

با مسائلی مانند مناسبات میان دولت بمنزله کارفرما و کلکتیوهای کار یعنی صاحبان مالکیت سوسیالیستی تأثیر عینی قانون ارزش و ضرورت استفاده هر چه هدفمند تر از مناسبات کلاشی - پولی در شرایط

سوسیالیسم ، پیشرفت هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی و مانند اینها است .

این رهنمود ها ، دستورات و طرح های اصولی و تمام موفقیت های ما در ساختن زندگی نو

نوع ویژه ای از تلفیق مسئولیت ملی حزب کمونیست بلغارستان با آنترناسیونالیسم آنست . آنها به

پیشروی سریع بلغارستان بسوی جامعه سوسیالیستی پیشرفته، تشدید تأثیر سوسیالیسم پیروزمند در طبقه کارگرتوده‌های زحمتکش کشورهای سرمایه داری پیشرفته و در جنبش آزاد بیدارشی ملی یاری میرسانند .

حزب کمونیست بلغارستان از تجربه غنی جنبش کمونیستی جهانی، کشورهای سوسیالیسم و در درجه اول از تجارب اتحاد شوروی میآموزد . در عین حال مامعتقدیم که تجربه ما با توجه به ویژگیهای ملی آن برای احزاب برادر میتواند منبع فکرواندیشه، دیدگاههای معین و برخوردارهای مشخصی باشد . براتیک انقلاب حزب کمونیست بلغارستان در ادوار فعالیت علمی و غیرعلمی و مبارزات مسالمت آمیز و مسلحانه علیه سرمایه داری و فاشیسم درس و تجربه ای برای برخی از کشورهای احزاب و نمونه و سرمشق حزب مادر ساختمان سوسیالیستی درسی برای برخی دیگر است .

بلغارستان سوسیالیستی در زمینه تکانهای جدی اقتصادی در جهان سرمایه با آهنگی استوار و روزافزون پیشرفت میکند . در اقتصاد آن صنایع در مقام اول قرار دارد و ۶۸ درصد محصول اجتماعی و ۵۸ درصد درآمد ملی را بوجود میآورد . رشته هائی از صنایع که حامل ترقی علمی-تکنیکی است مانند صنایع الکترونیک و الکتروتکنیک، ماشین سازی، شیمی سنگین، ذوب فلز و تولید انرژی دارای اهمیت فوق العاده است . اکنون کشاورزی ما سه بار بیش از سال ۱۹۳۹ محصول میدهد، اگرچه تعداد کسانیکه در کشاورزی مشغول بکار هستند سه بار کمتر از آن زمان است . دست آورد های ما در رشته های علوم، فرهنگ و بهداشت بسیار قابل توجه است . سطح زندگی زحمتکشان بلغارستان بطور مداوم بالا میروند . دموکراسی سوسیالیستی دامنه گسترده تری پیدا میکند . گرایش تبدیل تدریجی حاکمیت به حاکمیت تمام خلقی هرچه درخشان تر بروز میکند .

اکنون کشور ما اشکال، راهها و وسائلی را برای تقویت اقتصاد سوسیالیستی بطریق تعمیم هرچه سریع تر دست آورد های دانش و تکنیک جستجو میکند و میباید . در این نوم فوریه سال ۱۹۸۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان سند برنامه مانندی به تصویب رسید که آنرا میتوان کار پایه بهم پیوستن برتریهای سوسیالیسم و ترقیات علمی و فنی دوران معاصر بشمار آورد .

بطوریکه ت. ژيوگف تأکید میکند ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته در بلغارستان " به عقیده ما دارای اهمیت بین المللی است . موفقیت هائی که خلق ما در راه ایجاد سوسیالیسم پیشرفته بدست آورده نیروی جاذبه اندیشه های کمونیستی و سوسیالیسم موجود را افزایش میدهد . در عین حال تجربه ما تأیید بر اهمیت جهانی - تاریخی نمونه و سرمشق شوروی و اهمیت عام قانونمند پهای اساسی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و ایجاد جامعه نو است " (۱) .

پهروزی انقلاب سوسیالیستی امکانات مساعدی برای فعالیت گسترده سیاست خارجی حزب کمونیست بلغارستان و جمهوری توده ای بلغارستان فراهم آورد. این فعالیت در پرتو تجزیه و تحلیل کامل علمی وضع متغیر بین المللی که بطور دینامیک در حال پیشرفت است، اینک چهل سال است بدون انحراف در خدمت به منافع خلق و ایجاد شرایط مسالمت آمیز خارجی برای ساختمان جامعه نومیباشد. در ضمن به تحکیم مواضع سوسیالیسم و نیروهای صلح و ترقی در روی سیاره مانیزاری میرساند.

حزب کمونیست بلغارستان برای همکاری با کشورهای براد راهمیت ویژه ای قائل است. با پدید آید سیستم جهانی سوسیالیسم مناسبات میان واحد های ملی طبقه کارگر پهروزمند به مناسبات طراز نوین میان کشورهای قاروئید، مناسباتی که وابسته به ماهیت نظام اجتماعی پیشروها و وحدت منافع خلقهای براد راست. این مناسبات بر پایه احترام بحق حاکمیت و استقلال هر یک از کشورهای برتریهای همکاری و کمک متقابل و پشتیبانی رفیقانه که عناصر اساسی انترناسیونالیسم سوسیالیستی است، برقرار میگردد.

خلق ما موفقیت در ساختمان سوسیالیستی و زمان حال و آینده خود راهواره با تشدید و گسترش و تحکیم دستی بلغارستان و شوروی بهم پیوسته می پیوندند. مناسبات میان جمهوری توده ای بلغارستان و اتحاد جماهیر شوروی که نمونه انترناسیونالیسم سوسیالیستی در عمل است، صحت رهنمود های دیمیتروف درباره دستی با اتحاد شوروی بمنزله اساس سیاست خارجی بلغارستان را بطور انکارناپذیر تأیید میکنند.

بعقید همانند یکی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و برابری سطوح پیشرفت اقتصاد آنها پروسه ای قانونمندانه است. این پروسه با توجه به منافع عینی خلقها و مصالح سوسیالیسم جهانی معین میشود. کشورهای براد در مرحله کنونی فقط وقتی میتوانند با موفقیت و سرعت بجلوروند که تقسیم کار سوسیالیستی بین المللی و همکاری در تمام عرصه های زندگی را تکامل بخشند. کمونیست های بلغارستان این نزدیکی و همکاری و تعمیق همپیوندی اقتصاد سوسیالیستی را شرط مهم ثمربخش ترین حل مسائل ملی و راه حل مسائل جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجموع بشمار می آورند.

قرارهای کنفرانس اقتصاد ای اعضای شورای تعاون اقتصاد در سطح عالی در مسکو در ژوئن سال گذشته سرآغاز مرحله کیفی تازه ای در تأثیر متقابل اقتصاد کشورهای سوسیالیستی بود. در اعلامیه "حفظ صلح و همکاری اقتصاد ای بین المللی" که در کنفرانس بتصویب رسیده برای نکتۀ تأکید شده است که بسط و تکامل هرچه بیشتر و تکمیل همکاری، تعمیق پروسه تخصص یابی و تعاون به

" ترقی اقتصادی و اجتماعی هر یک از کشورها ، بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی خلقهای آنها و تقویت نیرو و وحدت و یکپارچگی کشورهای سوسیالیستی کمک میکند " (۱) .

تعلق بلغارستان به جامعه کشورهای سوسیالیستی یکی از شرایط بنیادی استقلال و پیشرفت همه جانبه آنست . این امر میزان بسیار زیادی امکانات آنرا در دفاع از منافع ملی خود و اشتراک در حل و فصل مسائل بنیادی جهانی افزایش میدهد و در ارتقای موضع سوسیالیسم در سیاره ما یاری میرساند . تمدید مدت اعتبار پیمان ورشو که در سال جاری انجام شد مسئولیت ملی و بین المللی ما را بیشتر میکند . قدرت و یکپارچگی کشورهای سوسیالیستی شرط عمده حفظ صلح همگانی و پیشرفت هر چه بیشتر پروسه انقلابی جهانی است . حزب کمونیست بلغارستان تحکیم هر چه بیشتر وحدت کشورهای برادر در تمام عرصه ها را وظیفه درجه یک خود بشمارد .

گاهی به کمونیستهای کشورهای سوسیالیستی خرد هم میگیرند که گویا بخاطر منافع ملی و دلتی خود حتی حاضرند از برخورد طبقاتی بمسائل صرف نظر کنند و وظیفه مترنا سیونالیستی خود را هم قدا سازند . این قبیل اظهارات کاملاً بی پایه است . اثبات این نکته ضرورت ندارد که میان وظائف احزاب کمونیست و کارگری حاکم از یکسو و آنها تئیکه در جهان غیر سوسیالیستی مبارزه میکنند از سوی دیگر ، تضاد اصولی وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد . هم آنها و هم اینها بخش جدائی ناپذیر جنبش کمونیستی جهانی و پروسه انقلابی جهانی را تشکیل میدهند و در رگمترش هر چه ، سرپهتر آن ، در بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و حفظ و استواری صلح در روی زمین بیک اندازه نینفع میباشند .

بطور مثال ، بخوبی معلوم است که مناسبات اقتصادی سود مند متقابل جامعه کشورهای سوسیالیستی بایک سلسله از کشورهای سرمایه داری به کشورهای اخیر امکان میدهد محل های کار و اشتغال تازه ایجاد کنند ، وضع دشواریکاران را تسهیل مینماید و غیره . در زمینه سیاسی گسترش این روابط بمتحرکیم درک متقابل و اعتماد میان کشورهای یاری میرساند . بلغارستان مناسبات خود با کشورهای سرمایه داری را بر پایه اصولی همزیستی مساومتآمین برقرار میدارد . این اصول را ما بمنزله شکل ویژه مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی میان سوسیالیسم و سرمایه داری بشماردیم . این شکلی از مبارزه طبقاتی است که اکنون برای حفظ صلح همگانی و نجات تمدن جامعه بشری ضرورت حیاتی دارد .

حزب کمونیست بلغارستان و دولت بلغارستان که به تعهدات انترناسیونالیستی خود صادق و وفادار هستند به کمکهای اخلاقی - سیاسی و مادی خود به خلقهایی که در راه آزادی ملی

مبارزه میکنند و بد فاع از استقلال خود برخاسته اند اما امید هند . در اینجا مقدس هر چیز صحبت بر سر همکاریهای اقتصادی و فرهنگی با اکثر کشورهای آسیا ، افریقا و امریکا لاتین و همبستگی با کوشش آنان برای تجدید ساختمان مناسبات اقتصادی بین المللی بر پایه عدالت و دموکراسی است . ماهرگونه مظاهرتورپیم بین المللی ، ادامه جنگهای اعلان نشده ، اقدامات تجلوزکارانه بمنظور دگرگون ساختن جبری نظامهای اجتماعی و تشدید و خامت در کانونهای کهن تشنج و دگرگیری و ایجاد کانونهای تازه تشنج را محکوم میکنیم . پشتیبانی ما از کشورهای که نام بردیم و همچنین کمک ما به آنها بدو نوقه افزایش میابد ، اگرچه انجام وظائف ملی فوری که در برابر زحمتکشان بلغارستان وجود دارد نیازمند سرمایه گذاری عظیمی است . این هم نوع دیگری از پروژانترناسیونالیسم کمونیست های بلغارستان است .

آنچه در سیاست بین المللی اینک مهم وعده است حذف جنگ از زندگی خلقها و برقراری صلح استوار ، عادلانه و دموکراتیک روی سیاره ما است . بدین منظور ما در راه قطع مسابقه تسلیحاتی ، جلوگیری از میلیتاریزه شدن فضای کیهانی ، کاهش تسلیحات ، نابود ساختن ذخایر سلاح هسته ای و دست یافتن به خلق سلاح همگانی و کامل مبارزه میکنیم .

زحمتکشان کشور سابقین دارند که خطر جنگی که بگناه امپریالیسم برجهان سایه افکنده میتواند بر طرف شود . فراموش نکردن در سهای جنگ جهانی دوم یکی از شرایط این کار است . تلاشی های ارتجاع برای نابود ساختن سوسیالیسم در چهل سال پیش با شکست کامل مواجه شد ، با وجود تناسب کنونی نیروها در جهان ، چنین سیاستی بیش از گذشته فاقد درونما است . توازن نظامی - استراتژیک میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا ، میان سازمان پیمان ورشو و ناتویکی از عناصر مهم چنین تناسبی است . بهمین سبب است که کشورهای سوسیالیستی برادر عزم راسخ دارند از برهم خوردن توازنی که در نتیجه کوشش های فراوان بدست آمده جلوگیری کنند . جدائی ناپذیری صلح و سوسیالیسم نیازی به اثبات ندارد . این واقعیت تاریخی است که در اکتبر سال ۱۹۱۷ بوجود آمده است . کمونیست ها صلح را شرط لازم ترقی اجتماعی میدانند . بهمین سبب جنبش کمونیستی جهانی یعنی بانفوذترین نیروی سیاسی معاصر چنین فعالانه خواستار ایجاد جبهه نیرومند ضد جنگ همه خلقها است .

احزاب کمونیست و کارگری در شرایط بسیار مختلف و ویژه خود فعالیت میکنند . هر یک از آنها سیاست خود را مستقلاً تهیه و تدوین میکند و هدفها و سمتها و اشکال و شیوه های مبارزه را تعیین می نماید . اصول انترناسیونالیسم پرولتری ، همبستگی و پشتیبانی متقابل ، احترام به استقلال یکدیگر ، برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی پایه و اساس مناسبات متقابل میان احزاب است .

مراعات اکید این اصول شرط لازم برای پیشرفت همکاری رفیقانه و استحکام وحدت است .

حزب کمونیست بلغارستان موافق با این نظر است که با گسترش دامنه وظائف مشهور
انترناسیونالیستی و بفرنج ترشدن آنها مسئولیت کمونیست ها افزایش میابد و یکپارچگی آنان اهمیت
بیشتری کسب میکند . ما اعتقاد راسخ داریم که انترناسیونالیسم پرولتری با مضمون طبقاتی آن
بهیچوجه اهمیت خود را از دست نداده و نمیتواند با چیز دیگری تعویض گردد ، انترناسیونالیسم
پرولتری اکنون نیز از مهمترین اصول جنبش کمونیستی است . در شرایط کنونی همبستگی انترناسیونال
نالیستی و وحدت عمل تمام نیروهای ضد امپریالیستی بر پایه دموکراتیک گسترده و با خطر حفظ صلح
و ترقی اجتماعی ضروری است .

ایجاد جو مناسبات صادقانه و رفیقانه میان احزاب کمونیست به تحکیم تمام اشکال همکاری
مانند گسترش روابط بین احزاب ، کسب تجربه متقابل ، بحث ها و مشورت های صریح و بی پرده و
اقدامات هم آهنگ در عرصه بین المللی یاری میرساند . حزب کمونیست بلغارستان به گسترش این
قبیل مناسبات توجه فوق العاده مبدول میدارد . ما بطور همه جانبه از تجربه حزب کمونیست اتحاد
شوروی و سایر احزاب برادر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی استفاده میکنیم . بطوریکه
میدانیم میان آنها پراتیک مبادله اطلاعات بطور مستمر و میان گذاردن برنامه های ویژه آیند در تمام
جبهات فعالیت حزبی و دولتی برقرار گردیده است . این امر به حل و فصل صحیح مسائل ساختمان
جامعه متوکم میکند .

حزب کمونیست بلغارستان با احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری و کشورهای
در حال رشد و از جمله با آنهایی هم که میان ما و آنها برخی اختلاف نظر ها در مورد بعضی از مسائل
وجود دارد دارای روابط نزدیک و گرمی است . همکاری ما با احزاب دموکراتیک انقلابی گسترش
هرچه بیشتری پیدا میکند . با خرسندی میتوان گفت این قبیل تماس ها امکان میدهند انواع
پیشداوریهای نادرست در باره سوسیالیسم موجود را بر طرف سازیم و بدین ضرورت مقابله با آن
سوسیالیسم و تبلیغات پر دامنه ضد سوسیالیستی نیروهای امپریالیستی هم یاری میرسانند . زندگی
این واقعیت را تأیید میکند که همکاری انترناسیونالیستی احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی و احزابی
که در جهان سرمایه فعالیت میکنند نه فقط برای فعالیت احزاب اخیر شورای فراهم نمیاورد ، بلکه
آنها را با دلائل و براهین تازه در اثبات برتریهای تاریخی سوسیالیسم غنی میکند و امکانات تازه ای
برای پیشروی در راه ترقی فراهم میآورد .

یکی از اشکال ثمر بخش فعالیت بین المللی حزب کمونیست بلغارستان و رهبری آن تبادل
نظر مشروح و صریح و روشن با کمونیست های سایر کشورهای است که از بلغارستان دیدن میکنند .

فقط طی سال گذشته ت . ژوکوف با ۸۲ تن از شخصیت های برجسته احزاب برادر و جنبش آزاد بیخش ملی ملاقات کرد و اعضای بوروی سیاسی و دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان از این قبیل دیدارها با بیش از ۲۰ تن از نمایندگان آنها داشتند . تماس های بسیاری در سطوح عالی و پائین تر به هنگام دیدار هیئت های نمایندگی ما و گروه های عملیاتی در کشورهای خارج برقرار شد . این قبیل دیدارها بدون تردید به استحکام همکاری اترانسایونالیستی کمونیست ها یاری میرسانند و میانگرتفرداری پیگیر و پویان احزاب حزب کمونیست بلغارستان از اصول مارکسیسم-لنینیسم و اترانسایونالیسم پرولتری و سوسیالیستی است .

بنظر ما عقاید مختلف درباره این یا آن دسته از مسائل نباید مانع فعالیت هم آهنگ احزاب برادر ، بویژه در مواردی باشد که صحبت بر سر مسائل اساسی مبارزه در راه صلح و علیه امپریالیسم است . علاوه بر این ، این قبیل اقدامات نه فقط مانعی در راه همکاری برپایه گسترده تری با تمام نیروهای ضد امپریالیستی و ضد جنگ نیست ، بلکه فقط میتواند بدان همکاری بطریق یافتن مواضع مشترک و با مشابه بوسیله کمونیست ها در ارتباط با مهمترین و حیاتی ترین مسائل معاصر یاری رسانند .

طی سالهای اخیر یک سلسله دیدارهای منطقه ای احزاب کمونیست و کارگری ، کنفرانس های تئوریک بین المللی ، سمپوزیوم ها و مانند اینها برگزار گردید . از این میان مهمترین رویدادی که در کشور ما جریان یافت کنفرانسی بود که بمناسبت صد مین سال تولد گئورگی دیمیتروف فرزند کبیر طبقه کارگر بلغارستان تشکیل گردید . این دیدارها و کنفرانس ها با ثبات میرسانند که بحث و مذاکره جمعی مسائل متنوع و روزافزون پیروسه انقلابی جهانی یک ضرورت طبیعی و قانونمندانه برای جنبش کمونیستی است .

در عین حال ، بعقیده ما ، نه دیدارهای دو جانبه و چند جانبه و نه دیدارهای منطقه ای و جلسات مشورتی نمیتوانند جایگزین مجمع عمومی یعنی اجلاسیه مشورتی بین المللی احزاب برادر شوند . در شرایط کنونی اهمیت تزه های لنین درباره اینکه " مبارزه کارگران همه کشورهای برادر آزاد فقط بشرط مبارزه مشترک کارگران علیه سرمایه بین المللی توأم با موفقیت خواهد بود " (۱) هرچه روشن تر میگردد . اینک در شرایط بین المللی شدن زندگی اقتصادی دنیای سرمایه داری ، هم آهنگی اقدامات شرکت های ترانسایونال سرمایه مالی در پیورش به سطح زندگی و دست آورد های زحمتکشان گسترش مییابد . همکاری احزاب پرورواشی ، از جمله احزاب محافظه کار ، ناسیونال-لیستی و حتی فاشیست بمنظور مبارزه علیه نیروهای دموکراتیک تشدید میگردد . ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی تبلیغات دامنه دار هم آهنگ و شدید ی که میتواند آنرا " جنگ صلیبی " واقعی

نامید ، علیه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش آزاد بیخش ملی و طبقه کارگر برآه انداخته اند .
 در این شرایط نقشی که اجلاس مشورتی احزاب کمونیست و کارگری ، بویژه اکنون میتوانست
 ایفاء کند بسیار پرارزش است ، زیرا از یک سو خطر واقعی بلیه همسته ای ، بعلمت سیاست تجاوزکارانه
 امپریالیسم برجامعه بشری سایه افکنده ، و از سوی دیگر ابتکارهای جامعه کشورهای سوسیالیستی
 بخاطر صلح فعالیت ضد جنگ بیسابقه توده های میلیونی را برانگیخته است .
 دست آورد های انقلابی خلقها با مبارزات پس از جنگ کمونیست ها ارتباط نزدیک دارد .
 آیند جامعه بشری وحل و فصل مسائل اجتماعی که در برابر آن قرار دارد بمیزان بسیار زیادی
 وابسته به افزایش هرچه بیشتر نقش و سهم جنبش کمونیستی در استحکام صلح است . بهمین سبب
 است که مسئله تعمیق همبستگی و همکاری احزاب برادرتحکیم هرچه بیشتر وحدت و یکپارچگی آنها
 تا این اندازه مبرم و ضرور است . زندگی اشتراک فعالانتر کمونیست ها در جنبشهای ضد امپریالیستی
 و ضد جنگ راهمراه با سوسیالیسمت ها ، سوسیال دموکرات ها و با تمام احزاب و جریان های مترقی
 بخاطر حفظ صلح و تمدن بشری طلب میکند .
 مسائل مشکل و دشواریهایی در جنبش کمونیستی در گذشته وجود داشته و اکنون نیز وجود
 دارد . ولی تجاربی هم برای برطرف ساختن آنها گرد آمده است . این تجارب بشکل قانع
 کننده ای گواه بر این است که یگانه راه درست وحدت و اقدامات مشترک برپایه اصول آزمون شده
 انترناسیونالیسم پرولتری است .
 ماتریدی نداریم که همبستگی ، وحدت و یکپارچگی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی در
 آینده نزدیک اشکال عالی تر و ثمر بخش تری خواهند یافت ، اشکالی که پاسخگوی وظائف میسر
 و درونماهای امرانقلابی مشترک ما باشند . حزب کمونیست بلغارستان در آینده نیز کوششهای
 خود را بطور خستگی ناپذیر در این جهت بکار خواهد برد .

برای ایجاد «پل حُسن همجواری»

حیدر کوتلو

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست
ترکیه

طراحان استراتژی پیمان آتلانتیک، ضمن گفتگو از مقام ترکیه در برنامه های ناتو هرچه بیشتر از یک مقایسه رایج استفاده میکنند. م. ورنروز بر دفاع جمهوری فدرال آلمان هم از جمله کشورها را "پلی میان اروپا و آسیا" می بیند که "حلقه های زنجیری را بهم پیوند میدهد که تا اقیانوس هند ادامه دارد" (۱). در قاموس سیاستمداران و ژنرال های ناتو عنوان "پل استراتژیک" فقط اهمیت نظامی ترکیه در چهارچوب پیمان آتلانتیک شمالی و تبدیل آن به پایگاه نظامی را مشخص میکند که از آنجا میتوان امنیت کشورهای همسایه را بخطر انداخت و پذیرفتن او دشمنی باشد. ماقاطعانه با چنین درکی از نقش و مقام کشور خود در عرصه بین المللی مخالفیم. اما اگر بهر حال تشبیه "پل" را در مورد ترکیه بکار ببریم ما علاقمندیم آنرا "پل دوستی، همکاری و صلح" ببینیم. در برنامه حزب کمونیست ترکیه که در نوامبر سال ۱۹۸۳ در پنجمین کنگره حزب تصویب رسیده گفته شده است: "اکنون حفظ صلح مهمترین وظیفه جهانی است. کمونیست ها که همواره در صف مقدم مبارزه علیه ظلم و استثمار گام بر میدارند در نخستین صفوف مبارزان در راه صلح و مهمترین حق انسانها یعنی حق زندگی قرار دارند. دفاع از صلح با مبارزه علیه امپریالیسم و در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی ارتباطی ناگسستگی دارد" (۲). حزب با توجه بدین موضوع وضع ترکیه را ارزیابی میکند، طرز برخورد خود به نیروهای سیاسی مختلف را معین مینماید و باتوجه هائی که به جنبش ضد جنگ پیوسته اند تشریح مساعی میکند.

اینک ترکیه در وضع وابستگی کامل به امپریالیسم امریکا قرار دارد. امپریالیسم امریکا سابقه تسلیحاتی را تشدید میکند، در نزد یکی مرزهای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی

۱ - ترجمان، ۲۹ مارس ۱۹۸۴.

۲ - برنامه حزب کمونیست ترکیه، صفحه ۱۶.

سیستم‌های هسته‌ای تهاجمی مستقر می‌سازد، عملاً به میلیتاریزه کردن فضای کیهانی می‌پردازد و علیه سوسیالیسم و خلق‌های کهد فاع از صلح و در راه آزادی ملی و اجتماعی بپا خاسته است — " جنگ صلیبی " بپا کرده است . مشی ماجراجویانه و تجاوزکارانه ای به‌ترکیه هم تحمیل می‌گردد . کشور ما از لحاظ حجم کمک‌نظامی که از ایالات متحده گرفته میشود پس از اسرائیل و مصر رده سوم قرار دارد . واشنگتن در نظر دارد فقط برای سال ۱۹۸۶، ۷۸۵ میلیون دلار، یعنی تقریباً دو برابر آنچه پنج سال پیش سالانه به‌ترکیه داده میشد، به‌کشور ما برای " نیازمند بهای نظامی " اعتبار دهد .

این در واقع امر صدقه‌ای به دولت ترکیه برای هدف‌های میلیتاریستی است و در ازای آن داده میشود که دولت اراضی کشور را برای استقرار وسائل نظامی آمریکا و ایجاد پایگاه علیه اتحاد شوروی، سایر کشورهای سوسیالیستی و خلق‌های خاور نزدیک در اختیار آنها قرار داده است . اکنون تعداد این قبیل پایگاه‌ها، از جمله فرودگاه‌ها و بنادر (برای ورود ناوهای ناوگان ششم آمریکا)، ایستگاه‌های رادار و پرواز، مراکز اطلاعاتی و انبارهای ذخیره مواد مختلف بیش از ۶۰ واحد است . از سال ۱۹۸۳ در کارامان سیستم آواکس (۱) با هواپیماهایی که دارای وسائل و دستگاه‌های ویژه است آغاز بکار کرده است .

اکثر سیستمات نظامی آمریکا در ترکیه دارای شعاع عملی است که منطقه عظیمی را در بر می‌گیرد : بخش خاوری دریای مدیترانه — دریای سرخ و خاور میانه . این تنها تهدید بالقوه صلح نیست . در واقع از همینجا، از سرزمین ترکیه است که ایالات متحده آمریکا سالهاست به تحریکات نظامی دست می‌زند، هم عملیات سفارتگرانه جداگانه و هم ماجراجوشی‌های برنامه ریزی شده و پیرامونه با اعمال قوه قهریه را ترتیب میدهد . نیروهای آمریکا که در سال ۱۹۵۸ در لبنان پیاده شدند از پایگاه‌های انجیرلیک و بالیکسیر اعزام شده بودند . در سال ۱۹۶۲ هواپیماهای " F-۴ " هم که بر فراز اتحاد شوروی مأموریت جاسوسی انجام میدادند از همان فرودگاه انجیرلیک به پرواز در می‌آیدند . در سال ۱۹۷۰ میان پایگاه‌های آمریکا در ترکیه و عمان پل هوایی ایجاد گردید که از طریق آن برای سرکوب مبارزه مردم فلسطین " کارشناس " و اسلحه فرستاده میشد . در سال ۱۹۸۰ واشنگتن انجیرلیک و بالیکسیر را بمنظور انجام عملیات " آزادی گروگان‌های آمریکایی در تهران " که باشکست مفتضحانه ای رو برود، مورد استفاده قرار داد . بالاخره در سال ۱۹۸۳ به‌هنگام حمله تفنگداران دریایی ایالات متحده به لبنان و گلوله‌باران روستاهای لبنان بوسیله ناوهای آمریکا انجیرلیک

۱ — سیستم آمریکایی رادار و اکتشاف و هدایت از دور که ارتش‌های برخی از کشورهای ناتو آن مجهز شده‌اند . هیئت تحریریه .

نقطه ای بود که از آنجا هم نفراستکمیلی وهم اسلحه موهومات برای مداخله گران فرستاده میشد (۱) .
 اسلحه اتعی امریکاد راراضی کشورمااستقراریافته است . ازسال ۱۹۸۰ باینطرف در
 اینجادرانبارهای ویژه کلاک های اتعی جدید وگلوله ووسائل دیگرذخیره میشود ، د هها هواپیما
 امریکائی کهویژه حمل ونقل سلاح نابودی جمعی است درفرودگا هها آماده پروازاست . سربازان
 ترکیه که دراطراف پایگا ههای ایالات متحده مستقرشده اند ، این سلاحهارامحافظت میکنند .
 درضمن نفقط ورود سربازان مامورگشت ، بلکه ورود ژنرال های ترکیه هم که وفاداریشان نسبت به
 ایالات متحده زیانزد است به بسیاری ازاین تأسیسات قدغن است . اختیارکاربرد سلاح هسته ای
 وبکارنداختن اسلحه مورد نظرفقط وفقط در دست ایالات متحده امریکااست . این بدانمعنی
 است که ترکیه دریک چشم بهم زدن درنتیجه ضریه متقابل میتواند نابود گردد . ولی واقعیات
 ورویداد های اخیرگواه براین است که ایالات متحده درنظر دارد ذخایر هسته ای خود در ترکیه
 راگسترش داده وکهنه هارانو کند ، نه اینکه از میزان آنها بکاهد .

پایگا ههای نظامی امریکاد ر ترکیه را پنتاگون در برنامه میلیتاریزه کردن فضای اطراف زمین
 خود گنجانده است . مطبوعات ترکیه خبر داده اند که ناوضائی " دیسکاری " که آزمایش های آن جریان
 دارد علاوه بر عملیات دیگر میباید ماهواره های نظامی راهم بر فراز دریای سیاه به مدار مورد نظر
 برای برنامه " جنگ ستارگان " بفرستد (۲) . بطوریکه میدانیم مراکز خد ماتعی این قبیل ماهواره ها
 در پایگا ههای نظامی ایالات متحده در اراضی ترکیه قرار دارند .

گردانندگان دولت ترکیه در اثبات خوش خدمتی های صادقانه خود وتبعیت محض پیش از
 همه به فراخوان واشنگتن برای شرکت کشورها ی ناتو در تدارک وانجلم برنامه " جنگ ستارگان "
 پاسخ دادند . اظهارات زه یاووزتورک وزیر دفاع هم از جمله براین گواهی میدهد . او گفت :
 (" ترکیه به " جنگ ستارگان " " آری " گفت) . وه خلف اوغلی وزیر امور خارجه نیز به همین روشنی
 اظهار نظر کرد : (" ما از " جنگ ستارگان " نمیتوانیم برکناریمانیم ") (۳) . این قبیل اظهارات
 نمیتوانند در افکار عمومی ترکیه نگرانی ایجاد نکنند .

کشور ما در اد امی تنیده از قراردادها و موافقت نامه ها با ایالات متحده گرفتار است . پنتاگون
 با اتکا به این موافقت نامه ها تلاش میکند ترکیه رامحکمتر به ما شین میلیتاریستی خود ببندد . یکی از این
 قراردادها که ۵ مارس سال ۱۹۵۹ منعقد گردیده وهنوز هم بقوت خود باقی است به امریکا " حق

۱ - ملیت ، ۹ شوبات ۱۹۸۴ ، حریت ۱۱ شوبات ۱۹۸۴ .

۲ - گون آیدین ، ۳۰ آچاک ۱۹۸۵ .

۳ - جمهوریت ، ۳ ماییس ۱۹۸۵ ، ملیت ۶ هزیران ۱۹۸۵ .

میدهد ، در صورتیکه مردم دولتی را بر سر کار آورند که برخلاف میل محافل حاکمه ایالات متحد ه باشد به ترکیه نیرو وارد کند . پس از کودتای نظامی دوازدهم سپتامبر ۱۹۸۰ رژیم جدید بلافاصله با واشنگتن قراردادی درباره " دفاع و همکاری " ولی در واقع درباره افزایش تسلیحات و تسایع ساختن آنکارا به دستورات آنسوی اقیانوس باضا^۱ رسانید ، زیرا بموجب آن نه فقط پایگاههای پنتاگون در اراضی ترکیه باقی میماند ، بلکه در آن تجهیزات ارتش ترکیه با سلاحهای امریکائی هم با شرایطی اسارت بار پیش بینی شده است . در سال ۱۹۸۲ ، دیکتاتوری نظامی با دولت ریگان " یادداشت توافقی " را امضا کرد . نتیجه آن ساختمان پایگاههای تازه امریکارموش و باتمان در بخش جنوب خاوری ترکیه بود که از چند جهت حائز اهمیت خواهند بود . از جمله اینکه از آنها میتوان بمنزله نقاط اتکا^۲ بینابینی بهنگام گسیل داشتن " نیروهای واکنش سریع " ایالات متحده به خاور نزدیک و میانهم استفاده کرد .

وضع جغرافیائی و استراتژیک ترکیه از دیدگاه ناتو هم (داشتن مرز مشترک با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی ، مسلط بودن آن بر بفرمان سفرود اردانل و نزد یکیش به یکسلسله از کشورهای عربی و ایران) بمنزله یک برگ برنده از طرف نمایندگان رژیم کنونی بهنگام بندوبست با محافل حاکمه ایالات متحده امریکا و مقامات عالیرتبه پیمان آتلانتیک شمالی مورد استفاده قرار میگیرد . هرزیدنتک . اورن و سایر ژنرالهای که با پنتاگون و ستاد ناتو در ارتباط هستند (مانند ت . نوزال نخست وزیر و اطرافیانش که سیستم تعهداتی در مقابل سرمایه مالی بین المللی را به ترکیه تحمیل کرده اند) بی میل نیستند کشور ما را به پست مقدم پنتاگون در مرزهای جنوبی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بالکان مبدل سازند . ولی این کار نیازمند وسائل هرچه بیشتری است . نوزال پیش از عزمیت به ایالات متحده امریکا صراحتاً اظهار داشت : " اگر ناتو میخواهد جناح جنوب خاوری خود را مستحکم سازد ، باید به ترکیه که دارای مرز طولانی با اتحاد شوروی و بلغارستان است کمک کند . برای این کار ما به پول بیشتری از آنچه اکنون از ایالات متحده میگیریم نیاز داریم " (۱) . اورن هم با کلمات مبهمتری تقریباً درباره همین مسئله صحبت کرد و مشی میلیتاریزه کردن ترکیه از طرف امریکارا " ارزش ها و آرمانهای مشترک " و صدقه های تازه امریکارا " کمک متقابل در سیستم دفاعی که ما بدان تعلق داریم " (۲) نامید .

ن . اوورگ فرمانده ستاد کل ارتش ترکیه که از دستگاه دولتی ریگان در ازای سعی وجدیت خود نشان گرفته است در خد متگذاری به واشنگتن تلاش و کوشش ویژه ای بخرج میدهد . ستادی که

۱ - میلیت ۲۵ مارت ۱۹۸۵ .

۲ - حریت ، نهم شوبات ۱۹۸۵ .

در اختیار او است در آستانه سفر نخست وزیر ترکیه به ایالات متحدہ گزارشی ارائه داشت که طی آن توصیفی میشد پایگاه‌های نظامی آمریکا در یونان را که مردم یونان رد میکنند و خواستار برچیدن آنها هستند به کشور منتقل نمایند. ستاد کل بصراحت به اعتبارات آمریکا هم اشاره میکرد که بهسرحال " هر خدمتی بهائی دارد " (۱) . کوتاه سخن ، نظامیان ترکیه اظهار آمادگی میکنند که کشور را کاملاً در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار دهند . عملیات تجزیه طلبانه ای هم که در شمال قبرس صورت گرفت مظهر نمونه وارچنین سیاستی است . هدف اصلی این اقدام متزلزل ساختن موجودیت قبرس بمنزله کشوری مستقل ، دارای حق دفاع از تمامیت ارضی خود ، کشوری غیر متعهد و عضو برابر حقوق سازمان ملل متحد است . تمام این اقدامات شوونیسم را دامن میزند و بسود تعالیات سیطره جویانه واشنگتن است .

در این شرایط مبارزه مادرزاد صلح هدف انحلال پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشور را دنبال میکند و در جهت امتناع از قرارداد های اسارت با روم شرقی و ایالات متحدہ آمریکا است ، قرارداد هایی که خطر واقعی برای امنیت خلق ما دارند .

کاملاً معلوم است که آزادی ترکیه از سلطه ایالات متحدہ ، تثبیت اصول همزیستی مسالمت آمیز آن با کشورهای همسایه و مقدم بر همه با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، همبستگی با خلقهای منطقه و حل اختلافات با یونان از طریق مذاکرات اینک با مسئله احیاء دموکراسی ، دفاع از آن و گسترش دادن آن در ارتباط است .

ترکیه کشوری است که اکنون در آنجا بویژه با خشونت افرادی را مورد پیگرد قرار میدهند که از آرمانهای ضد جنگ دفاع میکنند ، اعضا و فعالین جمعیت طرفداران صلح را محاکمه میکنند و بهمدتهای طولانی زندان محکوم مینمایند . اولیای امور مبارزه در دفاع از صلح و دوستی میان خلقها را جرم و جنایت بشمار میآورند . در جلسات ، دیدارها و میتینگ ها صحبت کردن از آرمانهای صلح قدغن است . در عین حال وسیله رادیو ، تلویزیون و در مطبوعات آشکارا و با شکل گوناگون اتهامات ناروا و جعلیاتی که در مراکز " جنگ روانی " آمریکا و ناتوس رهم بندی شده پخش میشود .

تبلیغ نظریات شوونیستی ، نژاد پرستانه و میلیتاریستی تجاوزکارانه به روسیه ای مجاز است . برای کسانی که از خارج ناظر اوضاع ترکیه هستند ، ممکن است چنین تصویری پیش آید که در ترکیه شکل حکومت پارلمانتاریسم است . ولی در واقع پارلمان بهیچوجه ارگانی نیست که حاکمیت را در دست داشته باشد . حاکمیت در دست گروه بندی کوچکی است که بعین واراده خود حکومت میکند . قانون اساسی کنونی کشور نهاد های دموکراتیک را بر سمیت نمیشناسد و این در حال نیست

کعبه د یکتا توری اقلیت امکان هرنوع مانوری را برای ادامه دوران فرمانروائیش داده است .
 د رساختار ارگانهای د ولتی ترکیه هیچ حلقه ای نیست که در مبارزه د راه حقوق و آزاد یها
 د موکراتیک و دفاع از آنها ویا گسترش دامنه آنها بتواند بدان حلقه اتکاء کرد . د ریپارلمان احزابی
 نمایندند د ارتد که باره د یکتا توری د روضه ممتازی قرار گرفته اند . نه باصطلاح دادگاه منگهبان
 قانون اساسی ونه سایر مؤسسات د ولتی - حقوقی را نباید نهادی بشمار آورده که از مصالح د موکراتیک
 دفاع میکنند . نیروهای هم که خواستار صلح و د موکراسی هستند ویا اصولاً مردم ترکیه هم با آنها
 بدین چشم نگاه نمیکندند . موجودیت تمام احزاب اپوزیسیون کعبه پارلمان را هنیافته اند ، سندیکا
 هائی که هنوز رژیم آنها را غیر قانونی اعلام نکرده و برخی از ارگانهای مطبوعاتی همواره د رخطر
 است .

اعتصاب ، اظهار نظریاتی که با افکار و عقاید رسمی د ولتی متفاوت است ، انتخابات آزاد ،
 تشکیل میتینگ و تظاهرات د کشور قدغن است . هر یک از شهروندان را بنا به میل و اراده مقامات
 د ولتی میتوانند دستگیر کرده و بدون بازپرسی و دادرسی ماهها و بلکه سالها زندان افکنند .
 بازداشت شدگان را اغلب بدست شکنجه میکنند . کسیکه موفق شود از زندان رهاش یابد آزاد
 نیست ، زیرا نامش د ربا یگانی ویژه پلیس ، به ثبت میرسد و " نظریات سیاسی " او را هم همانجا د رج
 میکنند . اگر پیش از بازداشت کارگر ، کارمند ، دانشجو ویا استاد دانشگاه هم بوده فرق نمیکند ،
 مقامات د ولتی بتدریج او را از زندگی جامعه طرد میکنند (۱) .

د دستگاه د ولتی ترکیه د نتیجه تجدید سازمان بی اندازه متمرکز شده و از اختیارات
 فاشیستی برخوردار است . چنان مقامات مهم د ولتی و ارگانهای بلا واسطه تابع رئیس جمهوری
 هستند و او از چنان " اختیارات قانونی " بموجب قانون اساسی برخوردار است که میتواند د رامسور
 د ولت و پارلمان مداخله کند . سران عالیترتبه ارتش هم دارای قدرت بی حد و حصری هستند .
 افرادی که د رؤسوا واحد های اداری قرار گرفته اند از همان امتیازات و حقوقی برخوردارند که معمولاً
 بر حسب قوانین حکومت نظامی به فرماند ار نظامی داده میشود . شگفت نیست که آنها بهر اقدام
 خود سرانه ای د ستمینند و خود را با استناد به " حقوقی " که از بالا بدست آورده اند تیرتکم میکنند .
 ولی هیچ ترور و فشار و پیگردی نمیتواند عزم و اراده میهن پرستان واقعی را درهم شکند

۱ - د رزوشن ۱۹۸۵ رژیم اورن - نوزال قانونی تحت عنوان " اختیارات نیروی پلیس " بتصویب
 رساند که طبق آن به " برقرارکنندگان نظم و آرامش " رسماً اجازه داد میشود گفتگوهای تلفنی را گوش
 کنند ، نامه های خصوصی را بگشایند ، تئاترها را ببندند ، سازمانهای اجتماعی را قدغن کنند ، " افراد
 مظنون " را بدون هیچ اتهامی بازداشت نمایند و اگر عقیده پلیس " وضع ایجاب کند " حتی بسوی
 افراد تیراندازی کنند .

و آنان را مجبور کند نظریات و معتقدات حیاتی خود را تغییر دهند (۱) . این آنها هستند که با مبارزات و کوشش های خود به تبدیل شدن ترکیه به " پل صلح و حسن همجواری " یاری میرسانند . م . دیکر دم صدر جمعیت طرفداران صلح ترکیه ضمن سخنرانی خود در دادگاه نظامی (که در سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۳ (جریان داشت) از اندیشه همزیستی مسالمت آمیز دفاع کرد ، بر ضرورت مبارزه در راه آینده جامعه بشری بدون جنگ ، مبارزه در راه زندگی و علیه جنگ هستم تأکید نمود . او که مبارزی دلیر است ، از مواضع خود یک گام هم عقب ننشست . سایر شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ هم که با او محاکمه میشدند از او سر مشق گرفتند .

در دوره دوم محاکمات که برای رسیدگی به " پرونده " سایر اعضای همان جمعیت طرفداران صلح ترکیه در نوامبر سال ۱۹۸۴ آغاز شد عزیزنیمین ، نویسنده ای که شهرت جهانی دارد سخن گفت . او اعلام داشت که احساس نمیکند مرتکب " جرمی " شده باشد و با وجود اینکه " متهمین " به فعالیت ضد جنگ راهب مدتهای طولانی زندان محکوم میکنند بیعی از این ندارد که کیفیت تازه ای در دفاع از صلح بوجود آورد (۲) . مبارزه پیگیر و پراستقامت میهن پرستان ، از جمله در سالن دادگاه در فکروز هن مرد تأثیرش دیدی باقی میگذارد و به اشاعه اندیشه های صلح در شرایط دیکتاتوری کمک میکند .

مبارزه علیه استقرار سلاح و وسائل هسته ای در اراضی کشورمانگیزه ای برای گسترش اعتراض ضد جنگ بود . در آوریل سال ۱۹۸۴ گروه برنامه ریزی هسته ای ناتو در امیرجلسه نوبتی خود را برگزار کرد . انتشار این خبر میان مردم که مسئله استقرار سلاح هسته ای تازه در ترکیه مورد مذاکره است موجب خشم و انزجار عمومی گردید . فقط کمونیست ها و نمایندگان سایر نیروهای چپ نبودند که نیت ناتو را محکوم کردند . با استقرار موشک های امریکائی در ترکیه که خطری برای امنیت ملی ما و موجب کشاندن شدن کشور به جنگ هسته ایست ، سه حزب پوزوواشی هم که در پارلمان نمایندند ندارند و نسبت به رژیم دراپوزیسیون هستند مخالفت ورزیدند . این احزاب عبارتند از : حزب سوسیال دموکرات ، حزب راه راست و حزب رفاه .

۱. با وجود دشوارترین شرایط سیاسی در کشور نیمه ژوئن سال جاری تظاهرات توده ای زیر شعار " ما کار ، نان و دموکراسی میخواهیم " در استانبول برگزار گردید که چهل هزار نفر در آن شرکت کردند . میداننی که تظاهرات کنندگان در آن گرد آمدند نبودند با چند حلقه نژاد یکبهم از ما موران مسلسل بدست محاصره شده بودند . سراپای فرد فرد تظاهرات کنندگان را با وضعی تحقیر آمیز گشتند . پلیس آشکارا " لیست سیاه " تهیه میکرد و از شرکت کنندگان عکس میگرفت . نزدیک به صد نفر بازداشت کردند . ن . گورمان معاون دبیرکل حزب سوسیال - دموکرات راهم زندانی کردند . با وجود این زحمتکشان ترکیه برای نخستین بار پس از سال ۱۹۸۰ آشکارا علیه رژیم منفرد ست به تظاهرات زدند .

۲ - ترجمان ، ۲۲ ، آجاک ۱۹۸۵ .

نیروهای گوناگونی با سیاست میلیتاریزاسیون مخالفت میکنند . بطور مثال این تزاریح رژیم که " برای تحکیم امنیت ملی باید بکمک ایالات متحده امریکارتش را مدون کرد " در مطبوعات مسرود انتقاد قرار گرفت . ائتلاف وحدت چپ (۱) پیش از عزمیت نوزال به واشنگتن از مردم خواست با تمدید قرارداد ترکیه - امریکادرباره " همکاری و دفاع " که اینک مورد مذاکره و طرف است مخالفت کنند . نمایندگان برخی از احزاب اپوزیسیون بورژوازی هم " کمک نظامی " امریکاراکه ایالات متحده از آن در ضمن بمنزله وسیله فشار علیه کشور ما استفاده میکند ، محکوم مینمایند .

کمونیست های ترکیه در شرایط دیکتاتوری در صفوف مقدم مبارزه در راه صلح قرار دارند . بی پیش از هزار نفر از میهن پرستان فقط بدین سبب که اعضای حزب کمونیست ترکیه هستند به مدت هفتاد و پنج روز زندان (۱۷۲ سال) محکوم شده اند . حزب ما مرتباً حقایق مربوطه رویداد های کشور و خارج از آن را برای مردم بیان میکند و گرایشهای پیشرفت و جریان رویداد ها را نشان میدهد و مقیاس خطر جنگی راکه جهان و ترکیه را تهدید میکند پنهان نمیسازد . حزب کمونیست ترکیه نشان میدهد که این خطر در منطقه ما از " نیروهای واکنش سریع " امریکاکه در ترکیه به آنها امکانات بسیار گسترده ای برای عملیات تجاوزکارانه داده شده ، سرچشمه میگردد . کاربرد آنجا کشید میشود است که به نظامیان امریکائی مأمور رپایگامهای پنهانگون و ظالمانه در ما را محول میکنند . بطور مثال ۱۳ مارس سال ۱۹۸۵ سرایان امریکائی در انجیرلیک با سنگ های خود به زحمت کشانی حمله ور شدند که با بازرسی های غیرقانونی مخالفت میکردند . در نتیجه این حمله نه نفر از کارگران ترک به سختی زخمی شدند .

کمونیست ها ، بدون بیم و هراس از خطر بازداشت ، شکنجه و حتی مرگ در صفحات مطبوعات خود از مبارزه ای که در راه صلح در گرفته است برای مردم سخن میگویند . بطور مثال فعالین سازمانهای حزبی آدنه و سایر شهرهای جنوب کشور تراکت هائی تهیه و پخش کرده اند که در آنها از اینکه ایالات متحده پایگاه انجیرلیک را برای گسیل داشتن نیروهای خود ، بمنظور سرکوب مبارزات مردم لبنان ، مورد استفاده قرار داده پرده برداشته شده است . در آوریل سال ۱۹۸۴ کمیته شهری حزب کمونیست ترکیه در آمهر با اشتراک سازمان محلی حزب کارگر ترکیه تراکت هائی پخش کردند که طی آن هدفهای میلیتاریستی اجلاسیه گروه برنامه ریزی هسته ای ناتو که در سالها بدان اشاره کردیم افشا شده است .

۱ - این ائتلاف در ماه مه سال ۱۹۸۴ پدید آمد و علاوه بر حزب کمونیست ترکیه احزاب دیگری مانند حزب آوانگارد کارگری کردستان ، حزب کارگر ترکیه ، حزب کمونیست کارگری ترکیه ، حزب سوسیالیست کردستان ترکیه و حزب سوسیالیست کارگری ترکیه را متحد میکند . هیئت تحریریه .

حزب ما بر این عقیده است که ترکیه فقط در جریان مبارزه پیگیر علمآنتی سوسیالیسم و شورویسم می‌تواند به " پل صلح و محسن همجواری " مبدل گردد . کمونیست ها در دشوارترین شرایط در یکتا توری سیاست صلح و ستانه اتحاد شوروی و اهمیت و دورنمای دوستی شوروی و ترکیه را برای مردم تشریح میکنند . آنها بطور پیگیر و با توجه به هدفهای معین نشان میدهند که ناسیونالیسم کورد را موردی مانند مسئله قبرس و مناسبات ترکیه و یونان فقط و فقط بسود کسانی است که ترکیه را باز بچه دست امپریالیست ها ساخته اند .

اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری به کمونیست ها در جریان مبارزه نیرومی بخشد . در سال جاری شصت و پنجمین سال بنیانگذاری حزب ما برگزار میگردد . این سالگرد با شعار " در راه ترکیه در موکراتیک و حزب کمونیست ترکیه نیرومند تر ! " برگزار خواهد شد . بمناسبت جشن سالگرد فعالیت های گسترده ای زیر شعار " حزب کمونیست ترکیه را استحکام می بخشیم ! " انجام میگردد . این تدابیر با اعلامیه ای که از طرف کمونیست های مبارز سابقه انتشار یافت آغاز گردید . در اعلامیه گفته میشود حزب " هیچگاه از خط اساسی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونال پرولتری دور نشد و از دفاع از منافع طبقه کارگر ، دهقانان و منافع ملی خلق منحرف نگردد " (۱) .

بعقیده ما در ترکیه رژیم فاشیستی حکومت میکند . تجربه نشان میدهد که حتی در ایمن شرایط نیروهای بسیاری وجود دارد که دلیرانه در راه صلح مبارزه میکنند . این نیروها به طبقه سیاسی بسیار گسترده ای تعلق دارند که هم حزب کمونیست و سایر احزابی را که در حالت مخفی بسر میبرند در بر میگیرد و هم احزاب علنی بورژوازی را که در اپوزیسیون هستند . چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه یادآور شد که برپایه خواسته های مشترک میتوان و باید با این قبیل نیروها در یالوگ برقرار کرد و بمقیاس وسیع همکاری نمود . تأکید گردید که برای متحد ساختن تمام نیروهای ضد یکتا توری و نیروهای طرفدار سیاست خارجی مسالمت آمیز ، الغای قرارداد های دوجانبه ، اسارت با امریکا - ترکیه ، گسترش مناسبات با تمام کشورهای و بویژه با همسایگان ما برپایه برابری حقوق و منافع ، حل و فصل مسئله قبرس و همچنین مسئله منطقه اژه از راه مذاکرات و مبارزه در راه دفاع از استقلال ملی و استحکام صلح در سراسر سیاره ما شرایط لازم فراهم آمده است .

بطوریکه جریان رویدادها نشان میدهد موقعیت در یکتا توری اورن - غوزال تضعیف میگردد . تلاشهایی کبرای استقامت و اقمی رژیم بکمک انتخابات و " پارلمان " بعمل میآید بجای نرسید . اینک محافل هر چه محتمتری در اطراف خواست انجام گرگونی های بنیادی در موکراتیک

در کشور متحد میگردند . عزم قاطع مردم برای ایجاد تحول راسخ ترمیشود . حزب ما طرفدار عمل مشترک تمام نیروهای ضد دیکتاتوری از " وحدت چپ " تا احزاب بورژوازی که در اپوزیسیون هستند میباشد . هدف آنها باید پایان بخشیدن به این رژیم و برقراری حاکمیت برپایه دموکراسی ملی باشد .

ما این رادیکال میکنیم که برای توفیق سیاست حزب کمونیست ترکیه تنها تداوم بیری که حزب اتخاذ میکند کافی نیست . دشمن طبقاتی بمقیاس بین المللی سازمان یافته است . به همین سبب ما هم نیازمند وحدت استوار ، تشریک مساعی جدی با نیروهای صلح دوست سایر کشورها و همبستگی برادرانه مداوم هستیم تا سهیم موموسی در جنبش ضد جنگ هسته ای ادا کنیم .

برای حزب ما مسئله استحکام وحدت جنبش جهانی کمونیستی بمنزله پایه وحدت تمام نیروهای ضد امپریالیستی فوق العاده مبرم است . حزب کمونیست ترکیه برای عقیده است که برای حفظ صلح باید هم آهنگی کار احزاب برادران تا عالیترین سطح ارتقا داد . این اقدام با نیروهای مترقی امکان میدهد علیه سیاست امپریالیستی " تلافیجویی اجتماعی " که هم علیه جنبش کمونیستی جهانی وهم علیه مبارزات ملی آزاد بیخوش خلقهاست بهتر مقابله بردازند . ما برای پیشنهاد های مشخصی که بمنظور استحکام وحدت جنبش کمونیستی جهانی در ژانویه سال جاری در کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری خاور ریای مدیترانه ، خاور نزدیک و میانه و منطقه دریای سرخ به اتفاق آراء به تصویب رسید اهمیت فراوانی قائل هستیم (۱) .

حزب کمونیست ترکیه ، چنانکه یاد آور شدیم ، در شرایط دشوار کارمخفی خواستار وحدت ملی تمام نیروهای دموکراتیک است . معلوم است که هر قدر صفوف جنبش کمونیستی مستحکم تر و یکپارچه تر باشد فراخوان های ما در داخل کشور هم قانع کننده تر خواهد بود . و معکس جریان زندگی خواهد بسیاری را نشان میدهد که چگونه دشمن طبقاتی از هر مسئله حل نشده ای در جنبش ما برای اشاعه دروغ و جعلیات خود علیه سوسیالیسم موجود و حمله بدان بهره برداری میکند . هیئت حاکمه ترکیه از این مسائل حل نشده برای ترساندن کمونیست های ترکیه که مبارزه ادامه میدهند و برای درهم شکستن عزم و اراده آنهاست که در سلول های شکنجه و عذاب از خود مقاومت نشان میدهند استفاده میکند . این مسائل را اپورتونیسیم هم که هدفش تفرقه افکنی و ایجاد انشعاب در نیروهای چپ و درون حزب کمونیست ترکیه است با تحریف و دروغ تفسیر و تعبیر میکند .

جریان رویداد های جهان يك سلسله وظائف تازه ای در ارتباط با مبارزه در راه صلح ،
 دموکراسی و ترقی اجتماعی در برابر تمام احزاب کمونیست و کارگری مطرح میکند . چگونه باید این
 وظائف را انجام داد ؟ بحث و بررسی جمعی ، تبادل نظر و تجربه در این مورد معین از نیازهای
 مبرم ما است . البته ، چنین بحث و بررسی فقط هنگامی میتواند ثمربخش باشد که به تحکیم وحدت
 علیه دشمن طبقاتی مشترک انجامد .

بر کسی پوشیده نیست که امپریالیسم و ستکاتبلیفاتی آن فشار عظیمی بر یک سلسله از
 احزاب کمونیست و کارگری وارد میکنند تا بطرق گوناگون به این هدف دست یابند که آن احزاب
 نه فقط از امپریالیسم ، بلکه از سوسیالیسم و همچنین از یکدیگر " باندازه برابر فاصله بگیرند " .
 در شرایط دیکتاتوری موجود در ترکیه این قبیل " توصیه ها " را به شکل پوشیده به حزب کمونیست
 ترکیه هم میکنند . بطور مثال در مطبوعات بورژوازی این نظر باشکال مختلف بیان میشود که وجود
 چنان حزب کمونیست علنی در کشور ما ضرور است که از هر دو سیستم اجتماعی " باندازه برابر
 فاصله بگیرد " و یا " مارکسیسم شوروی " مخالفت میکند . بهترین پاسخ باین اندیشه ها تحکیم
 هر چه بیشتر وحدت جنبش کمونیستی جهانی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم
 پرولتری برای صلح و ترقی اجتماعی است .

حزب ما سهم خود را در این مبارزه اد میکند و میکوشد مارکسیسم - لنینیسم را بطور خلاق
 در شرایط کشور خود انطباق دهد ، تأثیر آن در جنبش چپ را تشدید نماید و انترناسیونالیسم پرولتری
 را در نقطه مقابل ناسیونالیسم بورژوازی و شوینیسیم استحکام بخشد . ما دست آورد های تاریخی
 اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و همچنین نقش تعیین کننده ای را که آنها در جهان
 کنونی در مبارزه برای آزادی اجتماعی خلقها ایفا میکنند توضیح میدهم و روشن میکنیم .
 موضع حزب کمونیست ترکیه معلوم است : ترکیه میتواند " پل صلح و حسن همجواری " باشد .
 برای دست یافتن بدین مقصود باید وحدت نیروهای چپ در درون کشور را برای پیروزی امر دموکراسی
 ملی بطور مدوام گسترش داده و در عین حال یکپارچگی جنبش کمونیستی جهانی را برای تحکیم صلح
 در منطقه ما و در سراسر کره زمین تقویت کرد . کمونیست های ترکیه این راه دفع خود میدانند و در این
 راه مبارزه میکنند .

در مسیر پیشرفت و ترقی

کلیر داسیلوا

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست
کانادا

وسائل ارتباط جمعی بورژوازی در این اواخر سخت میکوشند به اثبات رسانند که در کشور های ناتوگویا در مبارزه توده‌ها علیه جنگ نوعی ضعف روی داده است. در ارتباط با این موضوع حزب کمونیست کانادا وضع فعلی جنبش طرفداران صلح کانادا را چگونه ارزیابی میکند؟

— ماهم از این قبیل قضاوت‌ها می‌شنویم. ولی واقعیات به عکس آن گواهی می‌دهد: وزیر دفاع دولت محافظه‌کاران و "ترقی" های پنتاگون هرچه هم بگویند، صفوف جنبش صلح در کانادا گسترش می‌یابد و نفوذ خود را افزایش می‌دهد. در حال حاضر در کشور نزدیک به هزار گروه صلح فعالیت میکنند. اتحادیه‌های کارگری، سازمانهای جوانان و زنان، نمایندگان حرفه‌های گوناگون (دانشمندان، پزشکان، هنرمندان و غیره)، مجامع مناطق مسکونی و مؤسسات آموزشی در تظاهرات ضد جنگ شرکت میکنند. تلاشهای مجامع صلح طلب را شخصیت‌های مذهبی مشهور، بسیاری از نمایندگان پارلمان و عملاً اعضا تمام احزاب سیاسی مورد پشتیبانی قرار میدهند. شوراها و شهری و محلی در کانادا در جلب مردم به مبارزه علیه خطر جنگ جهانی نقش مهمی ایفا میکنند. همه پرس‌های هائی که در سه سال اخیر در ۱۹۲۲ شهر بزرگ و کوچک انجام گردید نشان میدهند که بیش از ۷۰ درصد از مردم کانادا به خلع سلاح هسته‌ای رأی دادند. با توجه به نگرانی مردم از تشدید مسابقه تسلیحاتی سلاحهای هسته‌ای و گسترش و اشاعه آنها شهرداری‌ها بیش از ۹۰ شهر کشور و سراسر ایالت مونی توبا (Monitoba)، سرزمین خود را بعنوان "منطقه آزاد از سلاح هسته‌ای" اعلام کردند.

شرکتکنندگان در " کاروان های صلح " هم موفقیت زیاد یابدست آوردند . آنها
 وفق شدند ۳۰ امضا^۱ زیرطوماری در دفاع از صلح جمع آوری نمایند و این سرآغازی برای
 شروع اقدامات هم آهنگ جنبشهای ضد جنگ در مناطق انگلیسی زبان و فرانسه زبان کانادا بسا
 جنبش کارگری سازمان یافته براساس برنامه واحدی گردید . اهمیت شرکت بسیار گسترده طبقه
 کارگرد رمارزه نیروهای ضد جنگ را بهیچوجه باید یادآور شد . چنین اقدامی زمینه توده ای آنرا
 تقویت میکند و مبرخشی آنرا افزایش میدهد . این واقعیات ، که میتوان بازهم نمونههای بیشتری
 از آنها را برشمرد ، به حزب ماحق میدهد که بگوئیم جنبش صلح در کانادا تشدید میگردد .

— آیا جنبش صلح کانادا قادر است در حیات سیاسی کشور تأثیر کند ؟

— تا حدود معینی آری . بطور مثال ، بهنگام انتخابات پارلمانی که در سپتامبر سال
 ۱۹۸۴ انجام شد ، مبارزان راه صلح نیروهای سیاسی گوناگونی را برانگیختند تا درباره برخی
 از مسائل حاد سیاست خارجی کانادا بحث و مذاکره کنند . اکنون نشانههایی دال بر تعمیق
 اختلاف نظر درباره این مسائل میان احزاب سنتی بورژوازی وجود دارد . از جمله جون تورنر
 رهبر لیبرال ها و همکاران حزبی و پارلمانی اولیوید آکسورتی (Lloyd Axworthy) و
 وارن اماند (Warren Ollmand) با " جنگ ستاران " و استوار سلاح هسته ای در
 سرزمین کانادا مخالفت میکنند . برخی از افسران عالیرتبه هم سخن گفتن به زبان مبارزان راه صلح
 را آغاز کرده اند . سرتیپ لغونارد جانسون (۱) رئیس سابق دبیرستان نظام در کینگستون
 که طرفدار خلع سلاح هسته ای است حتی عقیده دارد که بهتر است کانادا خروج خود از ناتو
 را مورد مطالعه قرار دهد . احتمال قوی وجود دارد که به نسبت افزایش نفوذ طرفداران صلح
 باختلاف نظر در داخل طبقه حاکمه افزوده شود . در عین حال نباید در ارزیابی امکانات کنونی
 جنبش ضد جنگ در کانادا مبالغه کرد . میدانیم که این جنبش تا بحال موفق به انجام این وظیفه
 عمده نشده است که دولت را واداره اتخاذ سیاست صلحجویانه مستقل کند .

نقش ائتلاف نیروهای ضد جنگ میتواند به معنای عمده با نفوذ کار زندگی سیاسی داخلی
 و زمین تریاشد ، اگر رصفوف آن برای درک علل واقعی و منابع پیدایش خطر هسته ای توافق نظر
 وجود میداشت . البته شرایط لازم برای اینکار موجود است ، زیرا اکثریت بزرگی از کانادایی ها
 عمیقاً انسان دوست هستند و با جنگ مخالفند . ولی بسیاری از هم میهنان من تحت تأثیر تبلیغات
 سمیستاتیک افترا آمیز وسائل ارتباط جمعی امپریالیستی علیه سوسیالیسم موجود هنوز هم نظریات

۱ — لغونارد جانسون همچنین بمنزله یکی از اعضا^۲ فعال گروه بین المللی " ژنرال ها برای صلح و خلع
 سلاح " معروف است . این گروه ژنرال ها و آد میرال های بازنشسته کشورهای ناتو را که خواستار خلع سلاح
 و در رجه اول خلع سلاح هسته ای و د یالوگ میان شرق و غرب هستند ، متحد میکند . هیئت تحریریه

ضد شوروی دارند .

کمونیست ها این را در نظر دارند که بهیچوجه تمام شرکت کنندگان در جنبش صلح ، امپریالیسم امریکا را بمنزله منشاء اولیه خطر جنگ بشمار نمیآورند . همچنین ما میدانیم که برخی از فعالین گروه های صلح با آنکه این نکته را درست درک میکنند ، از لحاظ تاکتیکی نظریه " مسئولیت مساوی " را میپذیرند . آنها عقیده دارند که بدینوسیله میتوانند چهارچوب جنبش صلح را گسترش دهند . ولی این سازشکاری عملاً بسود کسانی است که سابقه تسلیحاتی را دامن میزنند .

بعقیده حزب کمونیست تجربه بهکانادایی ها امکان میدهد این نکته را درک کنند که امنیت نه از طرف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، بلکه از طرف ایالات متحده امریکا تهدید میگردد . ما با ادامه تبادل نظر درباره این مسائل ، در عین حال خواهیم کوشید تمام کسانی را که ممکن است به فعالیت گسترده بمقیاس سراسر کشور علیه خطر هسته ای جلب نمائیم . بحث و مذاکره درباره سرچشمه خطر جنگ نباید بهتفرقه صفوف طرفداران صلح منجر گردد . در اینجا باید از خود حد اکثر صبر و شکیبائی و ادب و نزاکت رانشان داد .

— بطوریکه میدانیم در انتخابات پارلمانی در سپتامبر سال گذشته محافظه کاران پیروز شدند آیا این پیروزی در وظائف و شرایط پیشکارنیروهای صلحدوست مؤثر بوده است ؟

— روی کار آمدن دولت محافظه کاران بمسرپرستی مارتین بری مانالرونی (Mulroney) وضع بفرنج تازه ای برای فعالیت طرفداران صلح بوجود آورده است . محافظه کاران که پیش سلسله از پیشنهادات نخست وزیر سابق ، پیرالیوت تروود رمورد مها کردن مسابقه تسلیحاتی را بفراموشی سپرده اند ، چرخش تندی بسوی ایالات متحده امریکا کردند و مشی افزایش سهم کانادا در ناتو و هزینه های کشور برای هدفهای نظامی را در پیش گرفتند . مردم نتایج چنین سمگیری را هم اکنون حس کرده اند ؛ در سرزمین ما آزمایش موشک های بالدار امریکائی بشدت در جریان است ؛ دولت با عقب نشینی در برابر فشار ایالات متحده امریکابه مد نیزه کردن سیستم رادارهای هشدار دهنده در شمال کشور پرداخته است و طبق اخباری که از طرف کابینه مالرونی تکذیب نشده ، پنتاگون در نظر دارد ۳۲ بمب هسته ای عمقی در نواحی مختلف کانادا مستقر سازد .

در چنین شرایطی کلی گویی درباره صلح کافی نیست . مبارزه در راه صلح مشخص است . درست بهمین سبب ارتباط دادن خواستهای ویژه کانادا با فعالیت های گسترده ترین الطلی

بمنظور مهار کردن مسابقه تسلیحاتی و تقلیل ذخایر سلاح هسته ای حائز اهمیت است .

مقدم بر هر چیز این وظیفه در برابر ما است که دولت محافظه کار را مجبور کنیم آزمایش موشک های بالدارد در سرزمین کانادا را قطع کند ، از متوقف کردن ذخیره سلاح هسته ای بعنوان نخستین گام در راه خلع سلاح هسته ای حمایت نماید و مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از تعهد عدم پیشدستی در یکا بردن سلاح هسته ای پشتیبانی بعمل آورد . علاوه بر این طرفداران صلح خواستار آنند که کانادا از ایالات متحدہ امریکا تضمین واقعی بگیرد که در سرزمین کانادا سلاح هسته ای مستقر ننماید . دولت مالرونی باید کشور را منطقه خالی از سلاح هسته ای اعلام کند و این موضوع را در قرارداد ایالات شوروی و ایالات متحدہ امریکا تثبیت نماید .

تدارکات پرتب و تاب و واشنگتن برای تسخیر نظامی گسترده فضای کیهانی نگرانی ویژه ای در کانادا و در تمام جهان برمی انگیزد . متأسفانه دولت مالرونی از نقشه های " جنگ ستارگان " امریکا هم مانند آزمایش موشک های بالدارد پشتیبانی میکند و باین مشت حرف پوچ اظهار میدارد که سخن گویا فقط بر سر " پژوهش های علمی " است . در همین حال کمیسیون سنادر اوتاوا توصیه کرد که کانادا برای " هدف های اقتصادی " به برنامه ویژه نظامی فضائی مخصوص خود بپردازد . تمام اینها البته ، افکار عمومی کشور را فوق العاده نگران میسازد . اگر کانادائی ها دولت را وادار میکردند تا از برنامه های " جنگ ستارگان " امریکائی برکنار بماند میتوانستند خدمت بزرگی به جامعه بشری بکنند .

کمونیسست ها از تمام خواستهائی که ذکر شد پشتیبانی میکنند و بمنظور تشریح ضرورت اقدامات جدی بسود صلح و خلع سلاح مصرانها کارها زیادی میان تودها انجام میدهند . ما همچنین خواستار این هستیم که کانادا کاملاً از استراتژی هسته ای واشنگتن برکنار بماند ، برای اینکار کانادا باید از ناتو و " NORAD " خارج گردد (۱) .

— حزب کمونیست باد نظر گرفتن بفرنج شدن وضع سیاسی داخلی ، دورنماهای مبارزه در راه صلح در کانادا را چگونه ارزیابی میکند ؟

— بنظر ما برای گسترش جنبه طرفداران صلح و تحکیم وحدت آن امکاناتی وجود دارد . برای انجام وظیفه اول ، باید نمایندگان تمام قشرهای جامعه را به جنبش ضد جنگ و ضد موشک جلب کرد و آنها را برای طرح خواسته های مشخص بسیج نمود . هدف دوم هم کاملاً درست یا فتنسی است . برای این هدف در درجه اول باید تمام گروهها را بدین متقاعد کرد که اختلاف نظرهای بقیه در صفحه شخصت

۱ — NORAD — فرماندهی واحد امریکا — کانادا ویژه دفاع هوائی — فضائی امریکای شمالی . هیئت تحریریه

درباره تغییراتی که در سیستم کار پدید آمده است

روبرت شتاگروالد

عضو رهبری حزب کمونیست آلمان

تغییرات ساختاری که در جامعه معاصر سرمایه داری روی میدهد و در وضع کارگران و سیمای اجتماعی آنان بازتاب مییابد یک سلسله مسائل جدی ایدئولوژیک مطرح میکند. در این مقاله میخواهیم برخی از جهات بررسی و مطالعه این پروسه ها را که بوسیله جامعه شناسان جمهوری فدرال آلمان در دانشکده پژوهش های مارکسیستی در فرانکفورت کفارود ما این بعمل آمده روشن کنیم.

اکنون، وقتی مارکسیست ها از اصل بنیادی رسالت تاریخی طبقه کارگر دفاع میکنند، منتقدین ما هم از "راست" و هم از "چپ" این کار را قشری گرائی (دگماتیسم) مینامند. آنها میگویند بهیچ وجه مسئله اصلی این نیست که طبقه کارگر در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم انقلابی بود یا نه، اصل قضیه در این است که طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری پیشرفته صنعتی تاکنون هم انقلابی مانده است یا خیر. آنها از ما می پرسند: بچه سبب نقش نیروی انقلابی معاصر "نیروهای اجتماعی تازه ای" بعهدہ نگیرند؟ زیرا، در واقع هم آنها هستند که بطور مثال، در جمهوری فدرال آلمان فعلا نعلیه مظاره منفی سیاست اجتماعی و اقتصادی سرمایه بزرگ اعتراض میکنند، در حالیکه کارگران گویا بطور عمده در راه حفظ اشتغال، بالا رفتن سطح زندگی و بهبود شرایط کار در چهارچوب اقتصاد سرمایه داری مبارزه میکنند. آیا در ارتباط با این پدیده نباید مارکسیست ها در مسئله نیروی انقلابی تجدید نظر کنند؟

این قبیل دلایل میتوانند دلیلی بنظر آیند که بی پایه نیستند. در واقع هم، همه چیز، و از جمله طبقه کارگر هم تغییر میکند و تکامل مییابد، مسائل تازه و بررسی نشده ای هم بروز میکند. ولی درک این نکته دشوار نیست که دلیلی که انتقاد کنندگان از ما بدانها استناد میکنند حداقل ضعفشان در سادہ کردن مسائل است. آنها میگویند مسئله نیروی انقلابی را فقط به کشف نیروی بالقوه آماده و با اصطلاح بنیروشی که درگیر مبارزه شده منحصر نمایند. معیار آنها فعالیت

سیاسی بلاواسطه این یا آن نیروهای اجتماعی است . ولی برای ما کاملاً روشن است که چنین برخوردی فاقد هرگونه ژرفای ایدئولوژیک است . واقعاً هم اتفاق می افتد که دانشجویان با طرح شعارهای سیاسی اعتراض میکنند و کارگران ، در نظر اول ، فقط خواستار بهبود وضع اقتصاد خود هستند . ولی از اینجا بهیچوجه نتیجه نمیشود که طبقه کارگر رسالت تاریخی خود را از دست داده است . ریشه های این مسئله بسیار ژرف تر است و با برخوردی چنین سطحی نمیتوان آنها را یافت . از بدگاه مارکسیسم ، نیروهای انقلابی در زمینه گسترده تاریخی توده های مردم بطور کلی هستند و ابتکار انقلابی فقط خاص طبقه کارگر نیست . و . ای . لنین نوشت : انقلاب " . . . نمیتواند چیزی دیگری غیر از حالت انفجاری مبارزه توده ای همه و هر فرد ستم دیده و ناراضی باشد . بخش هایی از خرده بورژوازی و بقیه کارگران همناگزیر در آن شرکت میکنند ، بدون چنین اشتراکی مبارزه توده ای امکان ناپذیر است ، هیچ انقلابی امکان پذیر نیست " . . . (۱) .

این نتیجه گیری در شرایط جمهوری فدرال آلمان هم هنگامیکه قشرهای گوناگون اجتماعی در جنبش ضد امپریالیستی اشتراک میوزند و خواسته های ویژه خود را در آن مطرح میکنند صادق است . اینک اعتراضات آنها علیه سرمایه بیشتر میشود ، شورش های خود بخودی برپا میگردد و ابتهکارهای گوناگون دموکراتیک پیش کشیده میشود . آشکال اعتراضاتی که بطور عینی علیه سیاست طبقه حاکمه انحصارگراست بسیار متنوع است . ولی شدت اعتراضات این یا آن قشر اهالی بخودی خود به این پرسش پاسخ نمیدهد که در دوران معاصر کدام نیرو قادر است " محرک فکری و اخلاقی و انجام دهنده فیزیکی (مقصود عقلی است - مترجم) " (۲) تبدیل جامعه سرمایه داری به سوسیالیستی باشد . نقش چنین محرک " یا " اجرا کننده ای " را فقط طبقه ای که نسبت به سرمایه بزرگ در موضع آشتی ناپذیر (آنتاگونیستی) قرار دارد قادر است ایفاء کند ، طبقه ای که میتواند بدون سرمایه داری هم وجود داشته باشد ، در صورتیکه سرمایه داری بدون آن نمیتواند سر کند . آن طبقه همچنین باید سایر قشرهایی را که نسبت به سرمایه در اپوزیسیون هستند متحد ساخته و دنبال خود ببرد . در جامعه سرمایه داری فقط طبقه کارگر دارای چنین خصائصی است .

این حکم لنین کاملاً بقوت خود باقی است که : " سرنگونی حاکمیت بورژوازی ، فقط از طرف پرولتاریا ، بمنزله طبقه ویژه ای که شرایط اقتصاد و زندگی او را به چنین اقدامی برمیانگیزد و به او امکان و نیروی انجام این کار را میدهد میسر است . درحالیکه بورژوازی در همانان و همه قشرهای

۱ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۰ ، صفحه ۵۴ .

۲ - همانجا . جلد ۲۶ ، صفحه ۷۳ .

خرد و بورژوازی را بمواحد های کوچک تقسیم میکند و از هم میپاشد ، پرولتاریا را بیکپارچه و متحد میسازد و او را متشکل میکند . فقط پرولتاریا ، بعلمت نقش اقتصادی او در تولید بزرگ قادر است رهبر همه زحمتکشان و توده های استثمارشونده ای باشد که بورژوازی استثمار میکند و بد آنها ستم روا میدارد و اغلب آنها را نه کمتر بلکه بیشتر از پرولتاریا تحت فشار قرار میدهد ، ولی آنها توانائی آنرا ندارند در راه آزادی خود مستقلاً مبارزه کنند " (۱) .

در جامعه معاصر فقط بورژوازی یا طبقه کارگر میتواند شیوه تولیدی معینی ایجاد کند و ایجاد کرده اند . بهمین سبب است که هدفهای قشرهای اجتماعی گوناگونی که در عرصه جامعه عمل میکنند ، در آخرین تحلیل ، با تمایلات بورژوازی یا پرولتاریا پیوند مییابند . گروههای غیر پرولتری که سیاست اقتصادی و اجتماعی سرمایه بزرگ را رد میکنند ، بسبب وضع عینی که در جامعه دارند (فرق اساسی آنها با پرولتاریا هم در همین است) تمایل نشان میدهند که بدین یا بدین ترتیب منافع خاص خود را که اغلب با وظائف اتحاد ضد انحصاری مغایرت دارد مطلق کنند . اما در مبارزه طبقه کارگر در راه حقوق خود از منافع شخصی خاصی دفاع نمیشود . بهمین علت فقط با وجود نقش رهبری کنندگان آن است که برای محدود ساختن و برطرف کردن حاکمیت سرمایه انحصاری میتوانند شرایط فراهم گردد . در آخرین تحلیل برای تحقق دگرگونیهای بنیادی سوسیالیستی هم همین شرط ضرور است .

نقش تاریخی طبقه کارگر بدینوسیله تعیین میگردد که آشتی ناپذیری آن در قبال سرمایه به جنبه جداگانه ای از جامعه استثماری محدود نمیشود . خواستههای طبقه کارگر در تأمین این یا آن " مجموعه " حقوق خاصی خود که باعث توجه بهمشکلات سایر گروههای اجتماعی ، از آنها با دفاع کند خلاص نمیشود . طبقه کارگر با مبارزه علیه نظام سرمایه داری بطور کلی و با آزاد کردن خود ، در جریان مبارزه همه قشرهای استثمارشونده و مستعبدیده اهالی راهم آزاد میکند . این طبقه فاقد مالکیت بروساغل اساسی تولید است . هدفش بدست آوردن ارزش اضافی نیست و مستگیرش در جهت اشکال اجتماعی مالکیت است . فقط از موضع طبقه کارگر میتواند شمای جامعه نورا که استثمار از آن حذف شده مشاهده کرد . علاوه بر این پتانسیل سازمانی آنرا نیز باید در نظر گرفت (خود بورژوازی طبقه کارگر را یکپارچه ، متحد و متشکل میکند) . تمام اینها با وجود سازمان سیاسی و آگاهی طبقاتی لازم در برابر آن را آغاز نمیکارند و با بورژوازی راهبر زمان و هر مکانی میگذاید .

البته ، آنچه در فوق گفته شد هنوز به یک سلسله از پرسشها پاسخ نمیدهد ، بطور مثال

به این پرسش که آیا خود طبقه کارگر سابر نیروهای اجتماعی هم پیشرفت میکنند ، و اگر پاسخ مثبت است

چگونه ؟ از اینجا است که ضرورت پژوهش های ژرف هرچه بیشتر پیروسه های اجتماعی که در رون طبقه کارگر و قشرهای گوناگون اجتماعی جریان دارد و همچنین ضرورت پژوهش های آید های پیروسه ها ناشی میگردد .

میدانیم که انقلاب علمی - تکنیکی موجب پیدایش تغییرات کیفی جدی در سیستم رانستنی ها ، تکنیک ، نیروی کار و وسایل کار میگردد . پیشرفت نیروهای تولیدی تنها نه اصلی را به پیدایش تغییرات در همه عرصه های تولید مادی ، توزیع و مناسبات روبنائی سرمایه داری دولتی - انحصاری وارد میآورد و این هم بنوبه خود موجب پیدایش تغییراتی در ساختار نیروی کارگری میشود .

مقدم بهره چیزیه صفوف طبقه کارگر افزودن میگردد و زمینه اجتماعی مجموعه جنبش کارگری

گسترش مییابد . این پدیده ها نتیجه پرولتیزه شدن صاحبان وسائل تولید متوسط و کوچک است

که علل آنرا ک . مارکس بموقع خود مورد بررسی قرار داد و آنها را با مکانیسم پیروسه انباشت سرمایه

ارتباط داد (۱) . افزایش صفوف طبقه کارگر در کشور ما بطور عمده بحساب دهقانان صورت میگردد ،

زیرا گروه های پیشه وران نسبتاً ثابت است . مکانیسمی که نام بردیم تاکنون نیز عمل میکند . در عین

حال وضع تازه ای هم بوجود آمده ؛ استفاده سرمایه بزرگ از دست آورد های ترقی علمی - تکنیکی

همچنین آشکال کهنه تولید کوچک را نابود میکند و در نتیجه پرولتیزه شدن قشرهای بینابینی صورت

میگیرد . همانطور که در تزه های ویژه کنگره حزب ما که قرار است در سال ۱۹۸۶ برگزار گردد گفته

میشود " بخش قابل توجهی از روشنفکران از لحاظ وضع اجتماعی خود به طبقه کارگر نزدیک شده اند "

این شرط مهمی برای آنست که تعداد هرچه بیشتری از نمایندگان این قشر به جنبش سندیکائی

و سیاسی کارگری و به فعالیت نیروهای دموکراتیک بپیوندند (۲) .

ولی باید قید کرد که این پیروسه را نباید راهی بشمار آورد که جریان در آن یکطرفه است .

" از نو سرمایه داری بطور اجتناب ناپذیر تعداد زیادی (قشرهای متوسط) بوجود میآورد " (۳) .

این قشرها بحساب برخی از افراد از میان طبقه کارگر هم تکمیل میشوند . پیوستن بخشی از کارگران

به جرگه قشرهای متوسط به پی آمد های ایدئولوژیک جدی منجر میگردد . از جمله این پندار

واهی را بوجود میآورد که وضع کارگران در سرمایه داری بهبود مییابد .

پیروسه بکار گرفتن در آمد نیازمند گسترش سیستم حمل و نقل و مازرگانی است که نقش آنها

به همین نسبت افزایش مییابد . تأثیر بوروکراتیسم دولتی - سرمایه داری در زندگی اجتماعی بطور کلی

۱ - رجوع کنید به ک . مارکس و فریدریش انگلس ، مجموعه آثار جلد ۲۳ ، صفحات ۴۶۵ - ۴۶۴ / ۱۲۸ - ۱۲۹

2 - Entwurf der Thesen zum 8. Parteitag der DKP, Düsseldorf 1985

۳ - و . ا . ی . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۱۷ ، صفحه ۲۵ ، 63 . S.

به پیدایش دستگاه‌های صنایع و طویل‌دوره اقتصاد می‌انجامد که باید گفت اغلب افرادی از صنف کارگران پرسنل آنها افزایش می‌دهند. دفاع از اساس‌های سرمایه‌داری که دستخوش بحران‌هاست، نیازمند گسترش دستگاه تضییق و فشار است که برخی افراد از محیط کارگری هم در آن "داوطلب خدمت" میشوند.

علاوه بر این افزایش نقش علوم بمنزله نیروی بلاواسطه تولیدی ضرورت گسترش دامنه آمادگی پرسنل مهندسی و تکنیسین‌ها را بدنیال دارد. طی بیست سال اخیر تعداد دانشجویان در جمهوری فدرال آلمان از یک میلیون نفر تجاوز کرد. تعداد مهندسی به ۵۰۰ هزار نفر میرسد و این حرفه هم مانند شغل معلمی و حرفه تکنیسین‌ها مدت‌هاست حرفه‌ای توده‌ای شده است. البته، گرایش در جهت مخالف راه‌نمایان نظر در برداشت دانش‌های تکنولوژی متخصصین در کمپیوترها "جسمیت" پیدا میکند و خود متخصص در تولید بحالت فرد زیادی درمی‌آید. به بازدهی کار و شدت آن هم فوق‌العاده افزوده میگردد. این جریان نیازمند بسط و تکامل سیستم معلومات حرفه‌ای - تکنیکی عمومی و تخصصی، اطلاعات، بهداشت و مانند اینها تحقق رفورم در مدارس ملی (تعداد کمتری دانش‌آموزان رکناس با تعداد بیشتری آموزگار) است. در اطراف این مسائل درگیریهایی شدید روی میدهد، زیرسرمایه بزرگ میکشد در عرصه آموزش و پرورش سیاستی را اعمال کند که فقط با منافع آن مطابقت کند (از جمله "اتحاد هائی" با سرمایه انحصاری بوجود آورد که برای قشرهای میانه هم جالب باشد).

پروژه‌هایی که در بالا نام بردیم نه فقط به تغییرات ساختاری در خود طبقه کارگر، بلکه به پیدایش تغییراتسی در محیط اجتماعی آن نیز منجر میگردد. در باره این موضوع بحث‌های بسیار زیادی در می‌گیرد که در جریان آنها همیشه عقایدی که باندازه کافی مستدل باشد ابراز نمیشود. بطور مثال چنین نظریه‌ای شایع است که گویا بعلمت کاهش سهم کارجمعی در تولید طبقه کارگر "سنتی" از بین میرود و جای آنرا گویا "طبقه تازه‌ای" میگیرد که تکنیسین‌ها بوجود می‌آورند. این قبیل نظریات حداقل دارای دو نقص متداول است.

اولاً، پروژه‌های اجتماعی اساسی در طبقه کارگر و قشرهای متوسط از طرف این افراد در اصل و منبع و ارتباط متقابلشان در مجموع بررسی و مطالعه نمیشوند، یا اینکه بطور کلی بد آنها توجهی نمیکنند.

ثانیاً، اهمیت اجتماعی این یا آن طبقه یا قشر بسته به تعداد آن تعیین میگردد، و اگر مقدار کارجمعی کاهش یابد، بطوریکه به‌میانگیند، از نقش طبقه کارگر کم‌کاسته میشود. ولی اگر چنین برخورد "عددی" در دست‌می‌یابد، آنوقت در شرایط سرمایه‌داری معاصر بورژوازی بطریق اولی

در پیشرفت جامعه تأثیر جدی نمیگردد ، در حالیکه ، بطوریکه میدانیم این چنین نیست .
ثالثاً ، این موضوع اهمیت چنین پرسشی را نفی میکند که تولید کننده اصلی ثروت‌های مادی
کیست .

علاوه بر این طرفداران نظریه ای که ذکر شد مسائلی مانند وضع فرد کارگر در پروسه تولید ،
دیالکتیک د رونی کارجمعی و فکری ، ارتباط متقابل آنها با مناسبات توزیع و مقدار درآمد فرد کارگر
را از نظر دور میدارند . بالاخره ، تعلق طبقاتی انسان فقط بانوع کار یا شکل روابطش با تکنیک
معبین میشود ، این چیز دیگری بجز پروژمزد ولوژی " در ترمینیسیم تکنولوژیک " و بانوعی از انواع تئوری
جامعه صنعتی نیست .

خلاصه اینکه ، اگر بگذرد همه این نظریات را بشکافیم ، معلوم میشود که در تعیین مفهوم
" طبقه " سردرگمی آشکاری وجود دارد . ولی بدون برخورد دقیق بدان نمیتوان بد رستی پروسه
های اجتماعی را که در جریان است ارزیابی نمود و بطریق اولی نمیتوان پیشرفت بعدی وین آمد
های آنها را پیش بینی کرد .

در عین حال از سال ۱۹۶۰ با اینطرف تعداد طبقه کارگر در کشور ما تا ۷۶ درصد اهالی که از
لحاظ اقتصادی فعال هستند افزایش یافت . در همان مدت در صد گروه‌های دیگری که بطورمزدی
کار میکنند از ۷۶ تا ۱۲۴ درصد اهالی که از لحاظ اقتصادی فعال هستند بالا رفت . بدین
ترتیب میتوان گفت کارگران و کارکنان مزد بگیر در جامعه جمهوری فدرال آلمان نوع اجتماعی را
تشکیل میدهند که از لحاظ تعداد برتری دارند .

افراد ی که در جمع نامتجانس گسترده کارکنان کارمزدی وارد میشوند یا مزد بگیر هستند
و با حقوق بگیر . این سؤال پیش میآید که از لحاظ اجتماعی آنها را چگونه باید طبقه بندی کرد ؟
بخش بزرگی از آنان به طبقه کارگر تعلق ندارند . بطور مثال ، روشن است که سرپزشک
مسئول بیمارستان که حقوق میگیرد پرولتر نیست ، در حالیکه خواهر پرستاری هم که حقوق بگیر است
درست به این طبقه تعلق دارد . ما شاهد تفاوت‌های فاحش میان نیروی کارگری پرولتاریا و قشر
های دیگری هستیم که کارمزدی انجام میدهند .

نیتوان یاد آور شد که در شرایط سرمایه داری معاصر هم تحصیلات عالی عاملی است
که راه را به سوی امتیازها میگذراند . آموزش عالی میتواند به کارکنان امکان دهد در پروسه تجدید
تولید وظائف ویژه ای را انجام دهند و همچنین در سیستم تقسیم کار و تعاون و تشریک مساعی مقام
بالا تری را احراز نمایند . این موضوع همچنین با افزایش قیمت و ارزش نیروی کار این قبیل گروه‌ها
در ارتباط است . در مواردی که فردی که دارای تحصیلات عالی است وظائف مدیریت و سرپرستی

انجام میدهد درآمدی بدست میآورد که از دستمز کارگر بیشتر است .

در عین حال کاتگوری کارگران و کارکنانی که مورد نظر است و مزد بگیر هستند (صرف نظر از مدیران) منتصب به بورژوازی نیستند ، زیرا در شمار کسانی نیستند که با بهره برداری از بخشی از کار دیگران وسیله امرار معاش خود را فراهم میکنند . از اینجاست نتیجه میشود که این کاتگوری از افراد همراه با روشنفکران مزد بگیرد قشر متوسط معاصر را که کارمندی انجام میدهد تشکیل میدهند . این کاتگوری ها از قشرهای متوسط افزایش مییابند ، در صورتیکه قشرهای کهن که هنوز دارای وسائل تولیدی هستند و بر این پایه چرخ تولید خرده کالائی را میگردانند بتدریج از بین میروند . بدین ترتیب قشرهای متوسط تازه ، اگرچه با فروش نیروی کار خود هم زندگی میکنند ، چون آمادگی مقدماتی لازم را پیدا میکنند و کارشان هم اساساً کار فکری است ، بهر تقدیر دیگر پرولتاریا نیستند . البته ، فرق است میان کسانی که فقط دستورات مافوق را اجرا میکنند و آنهاست که در جریان تولید دستور میدهند ، هر چند هم که مجری اراده سرمایه دار باشند ، فرق است میان آنهاست که اساساً به کار جمعی اشتغال دارند با آنهاست که بطور عمده کار فکری انجام میدهند . میزان درآمد کارمندان و نزدیکی به مقامات فوقانی هیرارشی تولیدی هم " فاصله " دیگری را بوجود میآورد . این قبیل تفاوتها میتوانند به پیدایش تضادهای واقعی میان نمایندگان قشرهای متوسط و کارگران منجر شوند .

تفاوت میان قشرهای معینی از کارکنان کارمندی واقعیتهایی است و مارکسیست ها نمیتوانند آنرا از نظر رد و دارند . توجه به این قبیل تفاوتها از لحاظ اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی واید فلولوژیک اهمیت فراوان دارد . تعلق قشرهای متوسط تازه بدوران رسیده همراه با طبقه کارگر به یک گروه اجتماعی که کارمندی انجام میدهند از یکسو آنها را بهم نزدیک میکند و از سوی دیگر برای نفوذ ایدئولوژی غیر پرولتری که برای طبقه کارگر بیگانه است ولی در قشرهای متوسط کاملاً اشاعه دارد امکان فراهم میسازد .

در ارتباط با موضوع ماسئله دیگری یعنی وضع جوانان کارگر شایسته بحث و بررسی در

صفحات مجله است .

در اینجا باید در نظر داشت که بخش فعال یا آماده برای فعالیت کارگران جوان را در درجه اول اعتراضات قشرهای غیر پرولتر بخود جلب میکند . بنظر ما بدین سبب چنین جریانی روی میدهد که کارگران جوان عقاید و نظریات خود را با جزو بحث با نمایندگان سایر قشرهای جامعه ، نه فقط در مؤسسات ، بلکه در محیط غیر طبقاتی تکمیل نموده بدان شکل میدهند .

این نیز حائز اهمیت است که در اعتراض ضد انحصاری معاصر برخورد ویژه ای بهمستلله

درك د موكراسى بوجود آمده است . جوانان (ونفقظ آنها) از يكسود بربراقاعد ه وقانسون و بيروكراسى دولتى - انحصارى مقاومت ميكنند ، ازسوى ديگر (هرچند در آغاز امر) در برابر انضباط پرولترى . چنين موضعگيرى نسبت به د موكراسى براى قشرهاى متوسط تيبك است . ولى عدم توجه به اين ننگه كه جوانان پرولترى كه ماده همبارزه ميباشند در واقع در همان جنبش كارگرى (بطور مثال آنجا كه نفوذ سوسيال - د موكراتهاى چرپيد) آشكارا به كمبود د موكراسى برخورد ميكنند از بىخ و بىن نادرست ميبود . بهمين علت است كه در اين جوانان گرايش به پذيرش نظريات د موكراسى غير پرولترى بوجود ميايد . تفرقه كارگران خارج از جريان توليد در جمهورى فدرال آلمان روبه افزايش است . محله هاى فقيرنشين تيبك وجود ندارد (ولى فقيرنشين هاى كارگران خارجى هست) جوانان پرولتر در بخش ها و خانه هاى سكونت دارند كه جوانانى از قشرهاى متوسط زندگى ميكنند ، كاملاً طبيعى است كه ميان جوانان بر سر مسايل ايدئولوژيك ، سياسى ، فرهنگى و اجتماعى اختلاف نظر هاى گوناگون پديد ميايد .

آنها با هم بى آمد هاى ضد انساني سياست سرمايه دارى دولتى - انحصارى را در عرصه تجديد توليد كالائى كه نشان نيروى كارگرى است احساس ميكنند . بد تر شدن شرايط مسكن ، خدمات عمومي و عرصه هاى فرهنگى و اجتماعى (مانند مهد كودك ، مدارس ، مراكز تفريح و استراحت و نظاير اينها) هم جوانان كارگروه جوانان قشرهاى متوسط را در بر ميگيرد . علاوه بر اين از تمداد سازمانهاى ويژه كارگران (از اتحاديه هاى مصرفى تا مجامع فرهنگى و جنبش ها) كه در گذشته مهربونشان خود را بر توده هاى پرولتر باقى ميگذارد كاسته شده و ارج و اعتبارشان كاهش يافته است . بسيارى از جوانان و از جمله از محيط كارگرى با همسالان خود از طبقات و قشرهاى ديگر در اين طرز تفكر شريك هستند كه از دنياى كوچك خفه و بى نور مسايات خانوادگى خود بپروند ، ميكوشند اشكالى از زندگى جمعى راشبيه " كمون " بوجود آورند . در اين قبيل محيط ها ميان جوانان از قشرهاى كارگرى و متوسط تماس نزديك ترى برقرار ميشود . در ضمن فكاوند يشه ايجاد " كمون " را جوانانى از قشرهاى متوسط كه داراى تحصيلات بالا ترى هستند رواج ميدهند .

اكنون توليد و شرايط زندگى نياز مند يهاى با كيفيت تازه ايجاد ميكنند كه بيشتر از همه درست در جوانان تأثير مينمايند و در تمام سيستم ارزش ها ، از جمله ارزش هاى اخلاقى و استتريك با زتاب ميبايند (فرهنگ باصطلاح " جوانان " پديد ميگردد و اشاعه پيدا ميكند) . از قرار معلوم اين مسئله شايبه تجزيه و تحليل ژرف از طرف دانشمندان ماركسيست است .

تمام آنچه گفته شد ، رو به پرمرفته ، نياز مند تكميل كار پراتيك حزب ميان جوانان است . اين واقعيت كه روشن فكران جوان عضو حزب كمونيست آلمان يا سازمانهاى وابسته بدان نسبتاً درصد

زیادی را تشکیل میدهند در جوانان تأثیری مثبت می بخشد. در ضمن بدین نیز توجه میشود که در شرایط بحران اقتصادی بخشی از جوانان کارگرد رتلاش برای یافتن راهی برای تغییر اوضاع با فعالیت بسیار در جنبشهای مختلف دیگر اشتراک میورزند. پتانسیل این گروه هم در ارتباط با افزایش توجه به مسائل حفظ محیط زیست، پی آمد های بکار بردن پروسه های تازه تکنولوژیک و مسئله "انسان شیشه ای" (۱) تقویت میگردد. موفقیت های حزب "سبزها" در انتخابات پارلمان در جمهوری فدرال آلمان هم در جوانان کارگرتأثیر فراوان کرده است. کمونیست ها، در جریان مناسبات و برخورد خود با جوانان، بویژه جوانان کارگر، تمام این جنبه ها را در نظر میگیرند.

بدین ترتیب در عرض متولید، چه از لحاظ محل سکونت وجه نقاط تفریح و استراحت^۳ اختلاط گروههای مختلفی از کمسانی صورت میگیرد که کارمزدی انجام میدهند. ما هم میدانیم که " سرمایه داری هم سرمایه داری نمیبود اگر پرولتاریا" خالص" در محاصره انبوهی از تیب های فوق العاده مختلف قرار نمیداشت... اگر درون خود پرولتاریا تقسیم بر قشرهای کم تر و با بیشتر پیشرفته و تقسیمات محلی گری، حرفه ای، برخی اوقات مذهبی و مانند اینها وجود نداشت" (۲).

این شیوه علمی را برای تهیه و تدوین برخوردی درست بمسائلی که در ارتباط با گسترش عرصه کارمزدی پدید میآید نیز میتوان مورد استفاده قرار داد. حل و فصل آنها برای کمونیست ها فوق العاده مهم است، زیرا بدون این کار جهت دادن بکارگران و تعیین موارد مشخص سیاست اتحاد های خود و تعیین چهارچوب دقیق ایدئولوژیک برای آن سیاست، برای کمونیست ها دشوار است. این وظیفه ایست که خود زندگی بطور عینی در برابر کمونیست های جمهوری فدرال آلمان مطرح میکند، زیرا پروسه های پایه و اساس مسائلی را که یاد آور شدیم تشکیل میدهند که طی مدت طولانی عمل و تأثیر میکنند و بخش قابل توجهی از اهالی را در بر میگیرند.

۱ - تشدید فعالیت دستگا هنر تارت و کنترل در جمهوری فدرال آلمان منجر بدان گردید که در کامپیوترهای اداره پلیس (و همچنین در کامپیوترهای شرکت های بیمه و بیمارستانها) مشروح ترین اطلاعات درباره تقریباً تمام شهروندان کشور گرد آمده است. در این زمینه است که هر شهروندی " انسان شیشه ای " نامیده میشود. هیئت تحریریه.

۲ - و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۱، صفحات ۵۹-۵۸.

در آغاز مرحله ای دشوار

محمد ابراهیم نقود

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست
سودان

گسترش و پیشرفت مبارزه طبقاتی و بیکارسیاسی در سودان بمرحله تازه ای گام نهاد ماست. خلق ما شانزده سال تمام برای برطرف کردن رژیم خودگامه و احیای آزاد بهای دموکراتیک و حقوق حاکمیت ملی که پامال شده بود مبارزه کرد. عصیان ما همارس به تحقق شعار عمده آن دوره منجر شد؛ جبهه گسترده ای برای بدست آوردن دموکراسی و نجات میهن پدید آمد. رژیم استبدادی سقوط کرد، پیاده کردن نهاد های سیاسی، قضائی و غیره آن آغاز گردید، سازمان امنیت دولتی، این مشقت ضربتی و مهمترین ابزار فشار و تضییق دستگاه حاکمیت منحل شد. گروهی از رهبران سازمان امنیت و سایر چهره های برجسته رژیم ماه مه (۱) به پشت میله های زندان روانه شدند. توده ها بار دیگر امکان یافتند آزاد بهای سیاسی مانند آزاد بیان، اجتماعات، اتحادیه ها و سازمانهای سندیکائی و غیره و همچنین احزاب سیاسی استفاده کنند. تغییراتی هم، اگرچه نه زیاد در عرصه سیاست خارجی بوجود آمد.

شدت این مبارزه پرتوان، عدم صحت کامل نظریات محافظ خرد و بورژوازی رانمایان ساخت که درباره قابلیت تحقق شعار اقدامات جمعی توده ها تخم خشک و ترندید میافشاندند و میکوشیدند مسیر رویداد های جنبش خلقی را تابع قضاوت ها و تصورات ذهنی خود سازند. آنها بدین منظور احوال و روحیه یأس آمیز و بیانتظار نشستن رادر آن اشاعه میدادند. پیروزی که بدست آمد شرایط عینی مساعدی بوجود آورد تا دایره وسیع تری از نیروهای اجتماعی را بتوان بسوی درنماهای یک انقلاب ملی - دموکراتیک و پیشتیانی از برنامه آن کشاند. جنبش توده ای بمرحله تازه و پیشرفته ای گام نهاد و حالا مهم این است که لگداری هم بگرم کند.

در ضمن نمیتوان گفت که هدفهای عصیان تماماً بدست آمده است . بسیاری از ساختار ها و نهاد های رژیم نعیری دست نخورده باقی مانده است و دستگاه دولتی تصفیه نشده و تجدید سازمان نیافته است . قوانین ویژه اعمال تضییق و فشاری که در دوران نعیری به تصویب رسیده ، بقوت خود باقی است و قرارداد هایی که استقلال و حق حاکمیت ملی ما را متزلزل میسازند ، ملغی نشده است . بسیاری از مسائل مهم دیگر نیز حل نشده باقی است .

علل این راباید در ضعف جنبش خلقی جستجو کرد . عمدتاً راز همه عدم اتحاد در صفوف اپوزیسیون است که بالاخره موفق نشد ، قبل از قیام توده ها درباره اقدامات مشترک و کارپایه مشترکی به توافق برسد . احزاب راستگرا ، از جمله حزب "الأمه" و اتحاد سوسیالیستی سودان و غیره عنودانه از امضای سند مشترکی با کمونیست ها سرپا میزدند ، اگرچه ماهیگیرانه از مشی ایجاد جنبه وسیع اپوزیسیون و سرنگونی رژیم از طریق عملیات جمعی توده ها پیروی میکردیم . این را فقط چنین میتوان توضیح داد : عدم علاقه و تمایل متحد شدن با حزب کمونیست سودان و قبول حق موجودیت آن بمنزله سازمان سیاسی قانونی پمراژنا بودی دیکتاتوری . حساب آنها این بود که خود را از رژیم نعیری خلاص کنند بدون اینکه توده ها را برای قیام بسیج نمایند ، قیامی که بآنها امکان دهد در حاکمیت تازه مدعی نقش شایسته ای برای خود بشوند . حساب روی یک کودتای نظامی رهایی بخش یا مداخله ایالات متحده امریکا ، عربستان سعودی و مصر بود ، زیرا آنها طبق خبری که در دست بود جستجوی جانشینی برای حکمران خود کاملاً ورشکست شده را آغاز کرده بودند . یکی دیگر از ضعف های جدی جنبش این بود که طبقه کارگر نه فقط خود ابتکاری برای سازمان دادن یک اعتصاب سیاسی بخرج نداد ، بلکه بمثابه یک نیروی سازمان یافته باتأخیر بدان پیوست ، اگرچه شرکت کارگران در تظاهرات خصلت توده ای فعالی داشت . در ترکیب اتحاد نیروهای میهنی رهایی بخش که عصیان را رهبری میکرد کارگران سندیکاها شرکت نداشتند . علت این بود که رژیم نعیری با تحت فشار قرار دادن نیروهای دموکراتیک سندیکاها و تحت پیگرد قرار دادن تمام نیروهای مترقی و عناصر مبارز در جنبش پرولتری توانست رهبری اتحادیه ها را مطمع خود نماید ، آنها را از توده های زحمتکش جدا نموده و به دستگاه بوروکراتیک حاکمیت دولتی وابسته سازد . تضمین مواضع حزب کمونیست و کاهش نفوذ آن در طبقه کارگر ، بویژه در پایتخت کشور که نتیجه سیاست تضییق و فشار ارگانهای حاکمیت بود نیز نقش خود را ایفاء کرد . مجمع زمین داران هم که رهبری آنرا در شرایط دیکتاتوری وقت ثروتمندان روستاها و تجار بزرگ در اختیار خود گرفتند از نبرد یکی در گرفته بود برکنار ماند .

در نتیجه اینها رهبری عصیان بدست روشنفکران خرده بورژوازی رسمی لیبرالان اتحادیه

های کارمندان و افرادی که دارای مشاغل آزاد هستند مانند پزشکان ، معلمان ، مهندسیان و همچنین دانشجویان افتاد . خود اتحاد نیروهای میهنی رهایی بخش هم با ابتکار اتحادیه های دانشجویان و استادان دانشگاه خرطوم بوجود آمد . نمایندگان روشنفکران چنین عقیده داشتند و دارند که رسالت رهبر واقعی و فعال اپوزیسیون در واقع بعهد آنهاست و احزاب سنتی ، از جمله حزب کمونیست گویا از بهسرفرت و گسترش جنبش توده ای عقب مانده اند .

در این شرایط بود که ارتش وارد صحنه شد . فرماندهی نیروهای مسلح حاکمیت کشور را بدست گرفت و شورای نظامی موقت تشکیل گردید . ترکیب شورانامتجانس است ، در آن کسانسی شرکت دارند که دارای گرایش ها و نظریات سیاسی مختلف ، اغلب محافظه کارانه راستگرا ، میباشند . اما ، عموماً ما شورابها به محصول مبارزه و نتیجه تأثیر متقابل عوامل گوناگون در داخل و خارج ارتش میدانیم .

اینکه انسان خود را از بیکار کناری بکشد و با اعلام اینکه من تقصیری ندارم زیرا فرماندهی ارتش با رضایت ایالات متحده امریکا ، عربستان سعودی و مصر گویا به کودتای درباری دست زد و برای حفظ رژیم نمیری را فدای کردند تا در ضمن از رسیدن نیروهای رادیکال خلق بحاکمیت هم جلوگیری نمایند کار بسیار ساده ایست . بدین ترتیب با اعتراف به شکست عصیان ممکن میبود با احساس تأسفقتنومیدی دست روی دست نهاده و به نظارت رویدادها پرداخت .

ولی این برخوردی سطحی بدون در نظر گرفتن واقعیات و شرایط موجود است . رویداد های ششم آوریل که پیدایش یک دولت نظامی رادری داشت اقدامی نبود که از پیش برنامه ریزی شده و از پیش خبر کرده باشند . نمیتوان آنرا به کودتای ژنرال عبود در سال ۱۹۵۸ و یا به شورش ماه مه سال ۱۹۶۹ تشبیه کرد . آنوقت مردم آماده نبودند برای سرنگونی رژیم بپاخیزند و نظامیان هم به ابتکار خود عمل کردند . این بار ، عصیان توده ها بود و فرماندهی نیروهای مسلح خیال نداشت نه بسود نمیری عمل کند و نه علیه او . فرماندهی نیروهای مسلح مقدم بر هر چیزی تحت فشار ارتشیان درجات پائین مانند سربازان ، استواران و افسران جزو مجبور به مداخله در رویدادها شد .

سربازان و درجه داران ارتش در جریان عصیان مردم نقش مهم ، ولی نه تعیین کننده ایفا کردند . آنها مانند سایر توده های مردم عصیان نکردند ، ولی واحدهای نظامی را که برای حفاظت مؤسسات استراتژیک اعزام شده بودند ، وادار کردند به سربازخانه ها برگردند ، با اعلام حکومت نظامی که پیش بینی میشد بوسیله آن ارتش را برای ایفای نقش پلیس جلب کنند ، مخالفت کردند و قاطعانه اقدامات سبمانه ارگانهای سازمان امنیت علیه تظاهرات کنندگان را محکوم نمودند .

وبالاخره خواست برکناری نمیری موکد اعلام گردید . فرماندهی خود را در مقابل گزینش یکی از این دو راه میدید : یا حاکمیت را بدست گیرد و یا بدیکتاتور از صحنه خارج گردد .

این راه نقش سرمازان و درجه داران ارتش از چهارچوبی که گفته شد فراتر نرفت با علل چندی میتوان توضیح داد . اولاً ، تشتت در صفوف اپوزیسیون سیاسی و فقدان کاربایه مشترک در ارتشیان هم تأثیر کرد . ثانیاً ، تعقیب و پیگرد مداوم ، فعالیت عوامل بیشمار سازمان امنیت دولتی و اداره اطلاعات ارتش موجب ضعف نیروهای سازمان یافته و سیاسی فعال در ارتش گردید . ثالثاً ، اکثریت نظامیانی که دارای افکار دموکراتیک و میهن پرستانه بودند تصویری یکجانبه داشتند و آن اینکه وظیفه آنها فقط و فقط تدارک و انجام کودتای نظامی است . آنها به موفقیت عصیان مردم باورنداشتند و از لحاظ روحی هم حال و حوصله و آمادگی جستجوی وسائل و شیوه های پشتیبانی از آن را در خود نمیدیدند .

مسئله کاملاً بطرز بدگیری مطرح میشد و آن اینکه نظامیان آماده اند حاکمیت را بدست گیرند در صورتیکه توده ها از آنها پشتیبانی نمایند ، به بیان دیگر : ابتدا کودتا ، سپس قیام توده ها . احوال و روحیه شورش منجر بدان شد که یک امکان کاملاً نادر از دست رفت : هنگامیکه در خرطوم صد ها هزار نفر به خیابان ها آمدند ، نظامیان میتوانستند با آنها ملحق شوند ، به توده ها بپیوندند و بدین ترتیب گذار حاکمیت بلا واسطه بدست نمایندگان جنبش مردمی را تأمین کنند . ولی ما در باره ضعفها و نکات منفی از این نقطه نظر سخن میگوئیم که آنها چگونه میتوانند در گسترش و پیشرفت آتی مبارزه مؤثر واقع شوند و کمونیست ها برای برطرف ساختن آنها بطور مشخص چه باید بکنند . تجزیه و تحلیل نواقص و اشتباهات را نباید به شکایات بی شمر و تأیید پاسیف فاکت ها ، یعنی چیزی که از خصوصیات طرز تفکر خرد و بورژوازی است تبدیل کرد .

عصیان ما همارس با وجود تمام نقاط ضعفش بزرگترین گام در گسترش و پیشرفت پروسه انقلابی در سودان بود . این عصیان از لحاظ دامنه و عمق خود بر انقلاب اکتبر ۱۹۶۴ (۱) برتری دارد . کم بهادادن به اهمیت آن بمعنی متزلزل ساختن دست آوردهای آن و وابسته کردن جنبش به حکومت نظامیان و آن نیروهای داخلی و خارجی است که نسبت به آزادی ، دموکراسی و حقوق حاکمیت ملی برخوردار نیستند .

خطرات چند جانب پروسه گسترش دموکراسی را تهدید میکند : از یکسو بورژوازی طفیلی از بیم از دست دادن منابع ثروت مند شدن خود در داخل کشور فعالیت های توطئه آمیزی را دنبال میکند ، از سوی دیگر " اخوان المسلمین " که بشدت بالهای " قوانین اسلامی " سال ۱۹۸۳ مخالفت میکردند (هدف از وضع آن قوانین ایجاد تکیه گاه و در عین حال پرده ساتری برای فرمانروایی

۱ - تظاهرات اعتراضات مردم در اکتبر سال ۱۹۶۴ به سرنگونی دیکتاتوری عبود منجر گردید . هیئت تحریریه

فردی و خود کامگی بود) بالاخره بقایای رژیم نمیری و در درجه اول سازمان امنیت که شهرت غم انگیزی پیدا کرده است .

تعداد کارکنان دستگاه سازمان امنیت در زمان حکومت نمیری به ۴۰ نفر بالغ میشد که ۲۵ نفرشان در خرطوم فعالیت میکردند . آنها مدرن ترین وسائل تکنیکی و سلاحها را اختیار داشتند که حتی ارتش هم نداشت . دستگاهی که فعالیت سازمان امنیت و سازمان اطلاعات و ضد جاسوسی نظامی را هر روز کنترل میکرد سیاه بود که در سودان مرکز عملیات منطقه ای خود برای افریقای شرقی و مرکزی را ایجاد کرده بود . عمال ایالات متحده آمریکا را در تمام نقاط کشور بکار میگماردند ، اردوگاههایی وجود داشت که در آنها عناصر مخالف دولت از لیبی ، اتیوپی و جمهوری یمن دموکراتیک آموزش میدیدند . پس از سرنگونی دیکتاتور و تصمیم به انحلال سازمان امنیت ، امریکایی ها تدابیری اتخاذ نمودند تا حتی الامکان تعداد هر چه بیشتری از عمال خود را از زیر ضرب خارج کنند . هزاران نفر از آنها که مانند گذشته اسلحه و پول و اعتباری اندازه ای در اختیار دارند ، تهدید واقعی برای پروسه تغییر و تحول هستند . آنها کاملاً مستعد این هستند که طبق اوامر رؤسای سابق یا حامیان آنسوی اقیانوس خود دست به تحریک و شورش بزنند .

توجهی که ایالات متحده امریکا نسبت به سودان مبذول میدارد تصادفی نیست . سودان در جهان عرب و در قاره افریقا دارای وضع استراتژیک مهمی است . در اراضی آن پایگاههای دریایی و هوایی و نیز پایگاههای " نیروهای واکنش سریع " وجود دارند ، در آنجا بارها مانورهای بسیار بزرگ با شرکت نیروهای پنتاگون انجام گرفته است . و شنگتن منافع اقتصادی قابل ملاحظه ای هم در کشورها دارد و باین سادگی حاضر نیست از آنها صرف نظر کند . ایالات متحده امریکا بوسیله عمال خود اهرم نسبتاً نیرومندی برای نفوذ در ارتش سودان ، پلیس ، مجموعه دستگاه دولتی ، و مسائل ارتباط جمعی ، مؤسسات آموزشی و فرهنگی و حتی در جنبش سندیکائی در اختیار دارد .

ارگانهای ویژه اطلاعاتی کشورهای دیگر حضور نا توجیهی در تمام نزدیک باسپا عمل میکنند آنها تبلیغات ضد کمونیستی را بشدت دامنه میزنند و مصرانه مردم تلقین میکنند که " تجربه گسترش دموکراسی " با شکست مواجه شده است . با پرداخت رشوه جنبشهای سیاسی و احزاب ، اتحادیه ها و ارگانهای مطبوعاتی را مطیع خود میکنند . امکان دارد که دشمنان خلق سودان به کمک انواع عملیات خرابکارانه بکشوند در کشور هر چه و مرج ایجاد کنند تا دستاویزی برای استقرار دیکتاتوری نظامی ، محدود ساختن کامل آزادیهای دموکراتیک و از بین بردن دستاورد های توده ها فراهم کنند .

وضع اقتصادی و مالی بسیار دشوار سودان بمسود توطئه گران است . رژیم نمیری اقتصاد

ملی وتام رشته‌ها و بخش‌های آنرا به‌طور شکستگی کامل کشاند . کشور که بار سنگین وام خارجی را بدوش میکشد ، (بیش از ده میلیارد) قادر نیست نه قروض خود را مستهلک نماید و نه حتی بهره آنها را بپردازد . قحطی و گرسنگی که پدید آمده فقط پی‌آمد خشکسالی نیست ، بلکه نتیجه سیاست فلاکت‌بار حکمرانان سابق هم هست . آنها با تشویق و ترغیب تولید محصولاً تنگ‌آورزی برای صد وره خارج زمین‌های قابل کشت برای مواد غذایی را کاهش دادند و زمینه وزیربنائی تأمین اهالی با مواد غذایی را از بین بردند . در حال حاضر از هر چهار نفر سودانی یکی گرسنگی میکشد . چنین وضعی برای سرنوشت جنبش خلق بسیار خطرناک است . بی‌سروسامانی اقتصادی ،

سنگینی بار زندگی و گرسنگی میتوانند حتی بدون دخالت مستقیم عوامل خارجی به فروکش کردن انرژی انقلابی توده‌ها منجر شوند و نیروی آنها را تحلیل ببرند . برخلاف تفسیر نادرست مارکسیسمی که در محافل بورژوازی و خرده بورژوازی معمول و متداول است ما بر این اصل متکی هستیم که فقر و گرسنگی بخودی‌خود هیچ عمل انقلابی بوجود نمی‌آورند . گرسنگان حال و حوصله سیاست را ندارند و عصیان‌مارس یکباردیگرایین را تأیید کرد که کسانی که بویژه بشدت از گرسنگی رنج می‌برند در آن شرکت نکردند .

این راهم نباید نادیده گرفت که کشورهای امپریالیستی بطور گسترده از تحویل مواد غذایی بعنوان وسیله فشار علیه کشورهای دریافت‌کننده استفاده میکنند . سودانی‌ها توانستند به تجربه خود متقاعد شوند که ایالات متحده آمریکا در این زمینه چگونه عمل میکند . آنها از همان دوران نمیری هم در عوض غلاتی که بجا می‌آید اندک پایگاه نظامی و پاکت در انتقال مخفیانه فلاش‌ها (۱) از ما مطالبه میکردند . کمک‌های عربستان سعودی هم بی‌فرضانه نیست . عربستان سعودی و مصر هر دو منابع اساسی خارجی بیم و خطر برای پیشرفت سودان در راه دموکراسی هستند .

ما باید و نایست که به این خطر کم‌بها بدویم و تمرد زیاد و قدرت دشمنان دموکراسی را از نظر دور کنیم بهر حال با اطمینان و خوش بینی به‌آیند همین‌گیم . زیرا عوامل داخلی و خارجی د دیگری ، یعنی عوامل مثبت هم کم نیست . مقدم‌ترین چیز باید خود عصیان را در شمار آنها قرار داد که به‌تدریج اعتماد تازه‌ای به نیروی خودشان داد و روحیه انقلابی آنها را تقویت کرد و تجارب مبارزه آنها را غنی ساخت

می‌باید اعتدای جنبش توده‌ای دموکراتیک در جنوب کشور را نیز یاد آورد که برای نخستین بار در سراسر تاریخ سودان معاصر نقش مثبتی در پیشرفت جنبش خلقی سودان بطور کلی ایفا

۱ - منظور عملیات مخفی سازمانهای ویژه اسرائیل است که یهودیان اتیوپی را از راه سودان به اسرائیل انتقال دادند . هیئت تحریریه .

مینماید . سابقاً نیروهای سیاسی جنوب سودان نسبت به آنچه در سراسر کشور میگذرد بی‌علاقگی نشان میدادند و فقط باین اکتفا میکردند که از خواسته‌های محلی خود دفاع کنند . ولی حالا جنبش آزاد ای خلق سودان و جناح مسلح آن یعنی ارتش آزاد بیخوش توده ای سودان که برای تعمیق بحران رژیم نمری و سرنگونی آن اقدامات بسیاری انجام داده ، برنامه روشن و دقیقی را ارائه میدهد که طی آن از گرایش‌های جدائی طلبانه که سابقاً در جنوب گرایش مسلط بود ، فاصله میگیرد و بر ضرورت اشتراک مثبت در امور که جنبه ملی و همگانی دارند تأکید میکند و همه سودانی‌ها را فرامیخواند تا فعالانه تر در پیکار برای گسترش دموکراسی در جهات گوناگون زندگی میهن شرکت کنند .

افزایش فعالیت سیاسی نیروهای میهن پرست در ارتش اهمیت فراوان دارد . ایمن نیروها با گرایش‌های راستگرایان فرماندهان عالی‌رتبه مخالفت میکنند و به پیشرفت جنبش ملی - دموکراتیک در کشوریاری میرسانند .

آنچه را عوامل مساعد خارجی میتوان نامید عبارتند از : فعالیت اپوزیسیون در مصر که در برابر کسانی مانع ایجاد میکند که در مرزهای شمالی سودان به توطئه جینی علیه کشور اشتغال دارند ، استحکام مواضع انقلاب اتیوپی که بر رژیم سلطنت پایان داد (آن رژیم دائماً از نیروهای محافظه کار و ارتجاعی کشور ما پشتیبانی میکرد) و پیشرفت موفقیت آمیز تجربه انقلابی خود ویژه در یمن دموکراتیک که برای جهان عرب فوق العاده مهم است .

پیروزی جنبش مقاومت میهن پرستانه در لبنان که مشترکاً با نیروهای دموکراتیک انقلاب فلسطین و پشتیبانی سوریه (که پایداری شجاعانه از خود نشان داد) با اشغالگران اسرائیلی ، بمقابله پرداخت مداخله گران امریکائی و ناتوی را وارد کرد بانگ و رسوائی بی کار خود برونند ، تأثیر ژرفی در توده‌های مردم سودان بخشید .

همبستگی بین المللی مداوم با مبارزه مردم ما اهمیت بسیار زیادی برای آنان داشته و دارد . فعالیت احزاب کمونیست و کارگری و احزاب انقلابی - دموکراتیک کشورهای عربی و سایر کشورهای و افزایش قدرت کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه اتحاد شوروی ، مبارز خستگی ناپذیر در راه صلح و آزادی خلق‌ها به تشدید و اعتدالی مبارزه مردم مایاری رساند . در چنین اوضاع و احوال بفرنجی تهیه و تدوین مشی دقیق و واقع بینانه ای که متکی به تجزیه و تحلیل عینی و دراز ساد کردن واقعیت باشد و پیروی از آن ، اهمیت ویژه ای کسی میکند . در پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان که در ۲۰ آوریل سال جاری تشکیل گردید چنین تجزیه و تحلیلی بدست داده شد . پلنوم تأکید کرد که آنچه در حال حاضر مهم و اساسی است

عبارتست از "تظاهرات و اقدامات توده ای، نقش اتحاد نیروهای توده ای و ارتش در دفاع از آنچه بدست آمده و حفظ و نگهداری آن در مقابل حملات دشمنان . . . (١)".

بدین سبب مشی وحدت هرچه گسترده تر برای دفاع از دموکراسی و حق حاکمیت ملی و احیای کامل آن، اگرچه در وضع تاریخی تازه و در سطح نوین و از مواضع تازه در مرحله ای جلوتره، بقوت خود باقی است. یکپارچگی توده های مردم مستلزم گسترش ترکیب اتحاد نیروهای ملی رهایی بخش طبق مشور آن و براین اساس است که احزاب و اتحادیه های که عملاً در اعتصاب سیاسی و عصیان توده ای شرکت کرده بودند بدان بپیوندند. اتحاد نیروهای ملی رهایی بخش پس از آنکه خصلت توده ای هرچه بیشتری کسب کند رسالت دارد به ارگان حاکمیت سیاسی توده ها مبدل گردد، ارگان حاکمیتی که بیانگر اراده آنها باشد و در صورتیکه خطرات تازه ای جنبش خلق را تهدید نماید به اسلحه اعتصاب سیاسی متوسل شود. چنین چیزی موجب برطرف ساختن وضعی میگردد که پس از آنکه سرفرماندهی نیروهای مسلح زمام امور را بدست گرفته بدید آمده است: در این وضع تمام اختیارات قانونگذاری در دست شورای موقت نظامی متمرکز گردیده، نیروی اجرائیه در اختیار هیئت وزرائی است که بعد از تشکیل گردید و حقوق و اختیارات اتحاد نیروهای ملی رهایی بخش اصولاً هیچگونه رسمیت قانونی نیافته است.

حزب ما از اعلامیه سرفرماندهی نظامی دایره براینکه ارتش نمیخواهد یک دیکتاتوری نظامی تازه را جانشین رژیم خود گامه قبلی کند و اینکه پس از یکسال زمام امور به دولت غیرنظامی واگذار میگردد استقبال کرد. ماقاطعانه مخالف این هستیم که نظامیان پس از گذشت یکسال در دوران گذار با زهم در حاکمیت باقی بمانند. حزب کمونیست سودان با همین قاطعیت هرگونه تلاشی را برای انجام کودتای تارد میکند، اگرچه کودتای ستاویزهای ویژه راستگرایان مانند "هرج و مرج بر کشور حکمفرما است" احزاب عدم توانایی خود را نشان دادند، "گامهای قطعی برای استقرار اصول اسلام ضروری است" باشد و یا در زیر نقاب جمله پر از زیبهای چپ مانند: "به عصیان باید ادامه داد"، "باید انقلاب را نجات داد" وغیره.

از تقریباً سه دهه موجودیت سودان مستقل، ٢٢ سال آنرا حاکمیت نظامیان تشکیل میدهد. نتایج آن عبارت است از بی سروسامانی اقتصادی، رشد روزافزون بورژوازی طفیلی، به بند کشیدن دموکراسی و متزلزل ساختن حاکمیت ملی. از این نقطه نظر هم میان دیکتاتوری راستگرای عبود و رژیم نمیری که در حرف و نه در عمل شعارهای چپ مترقی را اعلام کرده بود، تفاوتی

١ - اسناد و مدارک پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان که ٢ آوریل سال ١٩٨٤ برگزار گردید.

نیست ، اگرچہ پورتونیسٹ هائی که با اصطلاحات مارکسیستی بازی میگردند (بطور مثال گروهی انشعابی که از حزب کمونیست سودان خارج شدند) ، تکنوکرات های کوتاه بین که از " مدرنیزه کردن جامعه " و " پیشرفت سراسری وهمه جانبه " سخن میگویند و همچنین کسانی که مذ هب را وسیله سوء استفاده و قرارداد ه بودند میکوشیدند حقانیت رژیم نیمی را با ثبات رسانند .

سرنگونی حکومت استبدادی هنوز پایان کار نیست . احیای کامل دموکراسی مستلزم الغای تمام قوانینی است که آنها را نقض کرده اند ، از جمله قانون اساسی سال ۱۹۶۳ (که اجرای آنرا فقط موقتاً متوقف کرده اند) ، " لوایح قوانین اسلامی " سال ۱۹۸۳ و قانون مربوط به سازمان امنیت وغیره . در هم شکستن رژیم نیمی ، به ویژه ارگانهای سازمان امنیت آن هنوز باید انجام پذیرد . این کار نباید چنانکه اکنون جریان دارد در چهارچوب اقدامات رسمی و بوروکراتیک متحجر گردد . بدان باید توجه هائی را جلب کرد که عملیاتشان از طرف اتحاد نیروهای ملی رهائی بخش شورای نظامی موقت و ارگانهای قضائی مشترکاً رهبری شود .

رژیم استبدادی را بدون تجدید سازمان دستگاه دولتی و از جمله ارتش بدون بازگرداندن اخراج شدگان و روانه شدنشان نمیتوان از بین ریشه کن کرد . برای آنکه این تجدید سازمان به تسویه حسابهای شخصی مبدل نگردد و به اتخاذ تصمیمات کوتاه بینانه منجر نشود ، انجام آن باید به مسئولین مؤسسات دولتی کمک کرد و موازین استواری تهیه و تدوین نمود که مورد موافقت سندیکاها باشد و تحت کنترل آنها بکار برده شود . افرادیکه در تضییق و فشار علیه مردم شرکت داشته اند و آنها را بعلل سیاسی تحت پیگرد قرارداد ه اند حق ندارند آزاد باشند . در اینجا صحبت از محدود کردن دموکراسی نیست ، هدف حفظ و حراست دموکراسی از دست پروردگان دیکتاتور است .

برطرف ساختن میراث رژیم نیمی در عرصه اقتصاد هم بشکل بسیار حادی مطرح است . برای جلوگیری از فروپاشی آن باید تدابیر فوری اتخاذ گردد ، باید هزینه های بی اندازه زیاد برای نگهداری دستگاه دولتی را تقلیل داد و منابع آزاد شده را برای کمک به گرسنگان و بهبود وضع توده های مردم اختصاص داد . نخستین بخش این وظیفه تاحد معینی انجام یافته است ، زیرا مردم دستگاه کاخ رئیس جمهوری ، سازمان امنیت ، اتحاد سوسیالیستی سودان که در رژیم نیمی تنها سازمان سیاسی علنی بود و ارگانهای سابق قانونگذاری و اجرائیه هم در مرکز وهم در سایر نقاط منحل شده اند . ولی دومین بخش آن یعنی بخش با اصطلاح مثبت آن مانند گذشته را انتظار پیدایش راهحلی است .

برای گسترش مناطق قابل کشت غلات و بالا بردن محصول آنها بمنظور بهبود بخشیدن به

وضع خواربار، نجات مردم از گرسنگی و کاهش وابستگی به کمک از خارج با اقدامات قاطع و فوری نیاز است. هنوز نمیتوان از این کمک صرف نظر کرد، ولی این کمک بایستی طوری تقسیم گردد که به منبع ثروت اندوزی برای کارمندان عالیرتبه و بوروکرات ها بحساب مستمندان مبدل نشود.

برای یافتن راه بیرون رفت از وضع بحرانی ما پیشنهاد میکنیم کنفرانس اقتصادی ملی فرا خوانده شود که در آن نه فقط دانشمندان و متخصصین، بلکه همچنین نمایندگان احزاب سیاسی سندیکاها و سازمانهای اجتماعی شرکت کنند. یکی از مسائل اساسی که در کنفرانس باید مورد بحث و مذاکره قرار گیرد، اینست که چگونه میتوان در مقابل فشار و شانتاژ "صندوق بین المللی پول" مقاومت کرد. حزب کمونیست سودان توصیه ها و دستورات آنرا کاملاً رد میکند. از جمله مایقیمن داریم، تنزل ارزش فوند سودان که در ماه فوریه برای بارسیزد هم انجام گردید بایستی آخرین تقلیل باشد. در مقابل مطالبات "صندوق بین المللی پول" مبتنی بر تقلیل بیشتر محل های کار بمنظور کاهش هزینه های دولتی، برهان خُلف شایسته ای وجود دارد: رئیس جمهوری کشور واعوان و انصارش از مقام خود برکنار شده اند، از این مرموقد ارزیادی پول برای خزانه دولت صرفه جویی میشود.

کمونیست ها همه نیروهای میهن پرست را فرامیخوانند که در این مورد در جنبه واحدی عمل کنند تا مبارزه نه کیفیت پیکار در سطوح بالایی، بلکه خصلت توده ای بخود بگیرد. اکثر تاتپو وابستگی به مؤسسات مالی بین المللی که از طرف امپریالیسم کنترل میشود، تشریک مساعی با سایر کشورهای "جهان سوم" است که قربانی سیاست دیکتات هستند (در اینجا سودان میتواند نقش سبکروا ایفاء کند) و تکیه به جامعه کشورهای سوسیالیستی میا شد که مناسبات ما با آنها طی ۱۵ سال بحالت تعلیق در آمده بود.

بطور کلی سودان در عرصه بین المللی باید بمنزله یک کشور مستقل، دارای حق حاکمیت و غیر متعهد عمل کند. آنچه راکه با چنین مشی مفایرت دارد باید رد کرد. این کار در رجه اول به وجود پایگاه های نظامی ایالات متحده امریکا در سرزمین ما مربوط میشود. تصمیم به ایجاد آنها رانمیری خود سرانه و بدون اینکه آنها در کابینه وزرا، مجلس خلق و یا در ارگان دیگری مطرح کنند اتخاذ کرد. این قبیل بند و بست ها برای مردم سودان و حکومت سودان پشتوانه قانونی ندارند. کشور ما با هیچیک از کشورهای همسایه دشمنی نمی ورزد و به پایگاه های خارجی نیازی ندارد. واشنگتن باید بخاطر بیابورد که سودان نگزاس نیست.

در سیستم روابط خارجی سودان مصرا نظر تاریخی جای ویژه ای دارد. حزب کمونیست سودان همیشه طرفدار علائق نزدیکی (که در ریه کار مشترک استحکام یافته) میان خلق های سودان

ومصر بوده و هست . از جنوب هیچ خطری مصر را تهدید نمیکند و تهدید نخواهد کرد . ولی ایمن امر بهیچوجه با وظیفه ملی ما که دست یافتن باصلاح و ازین بردن چیزهایی است که در مناسبات متقابل کنونی ما آنها را غلط و مضر بشماریم تأیید ندارد . قاهره با استفاده از ضعف هسا و انزوای عمیق رژیم نیمی ، بزبان منافع سودان با آن قراردادی درباره همپیوندی اقتصادی و دفاع مشترک منعقد کرد . حالا مصر به فرمانروای برکنار شده پناه داده و در تلاش برای ممانعت از عادی شدن مناسبات سودان با لبنان واتیوپی کشور ما را زیر فشار قرار میدهد .

این مناسباتی خطرناک و زیان بخش است . ما با در نظر گرفتن منافع هر دو و خلق خواستار انقلابی آن قرارداد و سایر قرارداد های غیر عادلانه هستیم . ما عقیده داریم که آینده مناسبات مصر - سودان وابسته به صرف نظر کردن قاهره از ادعای قیمومت سودان و پذیرش این شرط است که با آن بمنزله طرفی با حقوق برابر معامله کند .

آتش مبارزه اکنون تیزتر میشود . درگیریهای بیشتری در برابر ما است . در این درگیریهها خاطره رفقای از دست رفته ما و تمام کسانی که در مبارزه در راه دموکراسی و استقلال ملی جان خود را فدا کرده اند بما الهام میبخشد . سرچشمه انرژی انقلابی برای ما تجارب یکپارچه افتخار آمیز کمونیست ها است که سرشار از نمونه های پایداری و فداکاری بهنگام دفع حملات دشمن ، پاکیزه نگاه داشتن ایدئولوژی طبقه کارگر و دفاع از وحدت و یکپارچگی صفوف حزب میباشند .

«ریزوسپاستیس» فدای حقیقت است

يك خبر تازه : روزنامه «ریزوسپاستیس» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان میان تمام روزنامه‌های صبح و عصر کشور بین خوانندگان بیش از همه محبوبیت دارد . هم شماره های روزافزآن و هم شماره ویژه روزهای یکشنبه در سراسر کشور خواننده دارد . این موفقیت بزرگ روزنامه ایست که فقط یازده سال اخیر بطور علنی منتشر میشود .

راه موفقیت راهی دراز و دشوار بود . تاریخ «ریزوسپاستیس» که معنی لغوی آن در زبان یونانی «رادیکال» است از اوایل قرن بیستم آغاز میگردد . روزنامه که پیش از پیدایش حزب کمونیست یونان بمنزله نشریه ای مترقی انتشار مییافت ۶۷ سال پیش ارگان کمیته مرکزی حزب شد و از آن زمان تا حال بدون وقفه بمنزله وسیله تبلیغ ، تهییج و سازماندهی توده ها در اختیار کمونیست های یونان است .

«ریزوسپاستیس» طی دهه‌های دهه‌های دیکتاتوری ارتجاعی اداره میگردد بطور مخفی چاپ و منتشر میگردد . قطع آن کوچک بود و خیلی ساده صفحه بندی میشد . ولی روزنامه همیشه به دورترین نقاط یونان هم راه مییافت و مردم را به بارزه فرامیخواند .

یکی از قهرمانان نه‌ترین صفحات تاریخ روزنامه بهنگام برگزاری جشن چهلمین سالگرد آزادی کشور از اشغال هیتلریها برای مردم آشکار گردید . پانزده گزشته شورای شهرداری ناحیه کالیته آ شهر آن در کوچه آرام اسکا خانه شخصی کوچکی را خریداری کرد . در میتنگی که در آنجا تشکیل گردید درباره سرنوشت غیرهادی آن خانه صحبت شد : از سال ۱۹۴۲ تا آخر اکتبر سال ۱۹۴۴ چاپخانه به معنی واقعی کلمه مخفی کمونیست ها در زیر زمین عمیق آن خانه قرار داشت . علاوه بر «ریزوسپاستیس» در آنجا روزنامه «یونان آزاد» ارگان جبهه ملی آزاد بیخوش و شب‌نامه و تراکت های رزمجویانه هم به چاپ میرسید .

کارکنان چاپخانه که بمعنی واقعی کلمه در چند قدمی اشغالگران و دست نشاندهگان محلی آنها کار میکردند اغلب چندین هفته از زیر زمین بیرون نمیآمدند . ماشین روتاتیوالکتریکی مارک «ویکتوریا» را برای اینکه بی سروصدا کار کند مجهور شد و اول با چرخ پائی بکاراندازند و بعد آهم

آنها بادست بحركت درمیاوردند . افراد انگشت شماری که از محل چاپخانه بااطلاع بودند ، این رازراحتی ازافراد خانواده خود هم پنهان نگاهمیداشتند . اگرکمونستی بهجنگ گشتاپومیاقتداد هرشکجه ای راتحمل میکرد ولی چاپخانه رالونمیداد .

پس ازجنگ حزب چاپخانه رابست ومحل آنرا محفوظ نگه داشت وقط چندی پیش ، وقتی خطرخراب کردن خانه های کوچک درآتن برای آن خانه هم خطری واقعی شد وآنراتهدید نمود تصمیم گرفته شد زیرزمین کهنه رابگشایند ودرکوچه اسکرآموزه مطبوعات مقاومت رابه نشانه سپاسگذاری ازقهرمانان مطبوعات کونستی بوجود آورند . فقط تعداد بسیار کمی ازآن قهرمانان ازجنگ گشتاپوآبادمکشان ارتجاع محلی جان سالم بدربرند .

سقوط دیکتاتوری " سرهنگ های سیاه " درسال ۱۹۷۴ دربرابرروزنامه که باارج واعتبار معنوی شایسته ای ازحالت مخفی بیرون آمده بود افاق های تازه ای راگشود . ت . کارتروس ، سردبیرروزنامه وعضو کمیته مرکزی حزب کونست یونان بمن گفت تجدید کارروزنامه درشرایط تازه کارآسانی نبود . به چاپخانه خوب واقعی برای چاپ مرتب وموقع نشریه ای روزانه وماتیازی در مقایسه بامعیارهای یونان بسیار زیاد نیاز داشتیم . کادرهای متخصص کم داشتیم . برای حل و فصل این مسائل وقت لازم بود . فقط سه سال پیش " ریزوسیا ستیس " به چاپخانه خود مانقل مکان کرد وصاحب بزرگترین ساختمان اداره روزنامه شد که درآن افرادی که حزب آماده کرده وبدان وفادار هستند کارمیکند .

کمکهای داوطلبانه مردم وهزاران ساعت کاریدون مزد روزهای کارجمعی رایگان " سهوتنیک های سرخ " بمامکان دادند خانه ای برای حزب بسازیم که دفتر وستگاه اداری کمیته مرکزی حزب کونست یونان درآنجامستقر شده است . این ساختمان بزرگ روشن بامعماری مدرن نئوکلاسیک ایستگاه " پریسوس " متروآتن قراردارد . درخیابان پرفت وآمدی ردیف انبوهی اتوبیل دائماً درحرکت است . روبروی آن آنطرف خط متروکه ازروی زمین رد میشود ساختمان های مؤسسات صنعتی دیدهمیشود . جلوی درساختمان خانه حزب شب وروز چند نفر جوان کشیک میدهند . زمانی که باید هشیاربود هنوزسپری نشده است .

دقتروزنامه وچاپخانه یکی ازاضلاع ساختمان رابخود اختصاص داده اند . جازیاد نداریم روزنامه نگاران کیپ پهلوی هم نشسته اند . ولی شرایط طوری است که امکان میدهند هم مقاله های روزنامه رابنویسند وهم باخبرنگاران روزنامه درنقاط مختلف کشور رارتباط باشند . اخبار واطلاعات بین المللی رازخبرگزاربهای محلی تاسروآسوشیتد پرس میگیرند . روزنامه درخارج از کشورهم خبرنگاردارد . ازجمله درمسکوپایتخت های چندکشورسوسیالیستی دیگر وهمچنین در

پاریس، نیویورک، بروکسل، لندن و غیره .

چاپخانه ای که در اپیکارپدیس مدیر بخش چاپ و از پیشکسوتان مطبوعات حزبی بمن نشان داد مرآشدیداً تحت تأثیر قرار داد . در آنجا ۱۷ نفر که اکثرشان کمونیست یا عضو سازمان جوانان حزب کمونیست هستند کار میکنند . آنها با وسائل تکنیکی بخرنجی کار میکنند که از لحاظ سطح خود از پیشرفته ترین وسائل تکنیکی در یونان است . میان آنها دستگاههای چاپ عکس و ماشین های سریع چاپ رنگی جلب توجه میکنند . چاپخانه علاوه بر تأمین چاپ "ریزوسپا ستیس" و سایر روزنامه ها و نشریات حزب کمونیست یونان و هفته نامه جوانان "دیگیتیس" سفارشات دیگری را هم انجام میدهد .

"ریزوسپا ستیس" اکنون آزادانه در تمام کیوسک های یونان بفروش میرسد . رکلام های روزنامه در خیابان های مرکزی پایتخت خود نمائی میکنند . هزاران تن از فعالین حزب روزنامه ویژه یکشنبه را که با سلیقه چاپ و آراسته شده "خانه به خانه" به محلاتی میرسد که کارگران ، کارمندان و پیشه‌وران زندگی میکنند . در روزهای عادی هفته هم افراد حزبی را و طلب پخش روزنامه رامیتوان صبح سحر جلوی درکارخانه‌ها دید . ندای حقیقت از صبح زود به زحمتکشان میرسد . — من ازک . نیکولتسوس رئیس حسابداری روزنامه میپرسم آیا از لحاظ تأمین مادی مسائل حل نشده ای هست ؟ او میگوید :

— البته ، برخلاف مطبوعات بورژوازی هدف ما بدست آوردن سود بهر قیمت نیست .

بهای روزنامه همیشه در نازلترین سطح ممکن از لحاظ قانونی باقی میماند . صاحبان کیوسک ها که درصد معینی از فروش را میگیرند بیشتر طالب نشریات گرانتر هستند . باید گفت همه آنها هم از لحاظ سیاسی علاقه ای به حزب کمونیست ندارند . بهمین سبب هنوز تعداد روزنامه‌هایی که بفروش نرسیده و باز میگردانند خیلی زیاد است و این زیان خالص است . از رکلام های پولی هم زیاد استفاده نمیکنیم . گذشته از این بنگاهای خصوصی و سرمایه داران آنها را با میل و رغبت بمانعند . . . ولی کمبود اعتبار مالی "ریزوسپا ستیس" که بکمک حزب جبران میشود نسبتاً زیاد نیست .

در اینجانب میتوان از کمک دهندگان بما ، از کمونیست ها و هواداران حزب ، بهنیکي یاد نکرد . اینها معمولاً افرادی هستند که میزان درآمدشان متوسط است . آنها به بهانه‌های گوناگون ، اغلب بیاد خویشاوندان و دوستانی که در مبارزات و یا در زندانها مبهلاکت رسیده اند اطلاعیه ای کوتاه همراه با حواله پولی به دفتر روزنامه میفرستند . علاوه بر این با وجود گرانی روزافزون کاغذ و رنگ و مانند اینها هزینه روزنامه کمتر از انتشارات بورژوازی است . هم روزنامه‌نگاران و هم کارکنان چاپخانه حقوق کمی را که حزب معین میکند میگیرند ، اغلب بطور رایگان کار میکنند و وقت آزادشان را صرف کاری

میکنند که مفهوم زندگی آنها را تشکیل میدهد .

"ریزوسپاستیس" نوعی ناقوسی بود و هوست که ذهن ها را بیدار میکند . این روزنامه به اتحاد بسیاری از مبارزان کهنسال که در گذشته در اقدامات تفرقه افکنانه تجدید نظر طلبان از راه راست منحرف شد ، میبودند و زیر پرچم حزب یاری رساند و به حزب کمونیست یونان کمک کرد و رجنش سند یکائی نمودند و به گسترش مبارزه زنان و جوانان یاری رساند . هیچ درگیری طبقاتی و یا تظاهرات نیروهای دموکراتیک را نمیتوان سراغ گرفت که از طرف "ریزوسپاستیس" مورد حمایت قرار نگرفته باشد . حمایتی که بسیار فعالانه و اغلب تعیین کننده و موفقیت از آغاز عمل بود و ماست وقتی یک اقدام عظیم سیاسی تدارک دیده میشود ، روزنامه هم بعنوان مبلغ و هم بمنزله سازمان دهنده عمل میکند . در صفحات روزنامه مقالاتی با موضوع تظاهراتی که باید انجام شود ، صاحبه با شخصیت های برجسته اجتماعی و متخصصین معتمدین چاپ میسرمد که اغلب کمونیست هم نیستند . در روزنامه اطلاعاتی هم درباره اینکندارک تظاهرات در بخش های مختلف کشور چگونه پیش میروند و بالاخره نقشه مشخص تمام اقدامی که باید صورت بگیرد با نشان دادن جای مشخص و زمان دقیق گرد آمدن شرکت کنندگان درج میشود .

بطور مثال ، ۶ اوت سال جاری ، هنگامیکه در اطراف آکروپل کهن راد و خط زنجیر زنده از کودکان و بزرگسالان در چهارچوب دهه صلح که در یونان برگزار میشد احاطه کرد نیز همینطور بود . "ریزوسپاستیس" شعارهای دهه راد را در سر اسر کشور پخش کرد : "جنگ ستارگان - نه ! " ، " بالکان را باید به منطقه خالی از سلاح هسته ای مبدل کرد ! " ، " در یاری مد پترانه باید در یاری صلح باشد ! " نمایندگان سازمانهای ضد جنگ ، زنان و جوانان که در جنبش توده ای "فراخوان آکروپل" متحد شده بودند ، بوسیله صفحات روزنامه از تصمیم اتحاد شوروی درباره متوقفه ساختن یکجانبه هرگونه انفجار هسته ای استقبال کردند .

مطالب جدی و مستدل مندرج در روزنامه نه فقط توجه فراوان کارگران خواننده ، بلکه محافل دیگر اهالی زحمتکش را هم به "ریزوسپاستیس" جلب میکند و حتی احترام مخالفان سیاسی را هم بر میانگیزد . بارها کوشش کردند نشریه را با سرهم کردن شکایات و از طریق کشاندن کار بد ادگانه تضعیف کنند ولی هر بار این تلاشها با شکست روبرو گردید . بطوریکه در قدرت ااره برای متعریق کردند روزنامه در هیچیک از جریانهای دادرسی که علیه آن تشکیل یافته بود ، بازنده نبود .

یکسال پیش ، هنگامیکه در همین سالگرد انتشار "ریزوسپاستیس" بطور علنی برگزار میشد ، مجموع هزار جایی که سالن خانه حزب گنجایش ندارد طی پنج شب متوالی پر بود . در آنجا بحث و مذاکره گسترده ای جریان داشت که راه درازی را که روزنامه همواره بوسیله پیشرفت و اعتلا طی

کرده بود و همچنین دشواریهای کارومسائلی را که روزنامه با آن روبرو است نشان میداد . تذکرات و پیشنهادهای سازنده بسیاری از طرف شرکت کنندگان ارائه شد . رفیق خ . فلوراکیس ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان در پایان سخن گفت :

— ما میخواهیم " ریزوسپاستیس " ما خصائص سیاست حزب ما را تا عالیترین درجه با احساس مسئولیت ، بطورزنده ، با بیانی ساده و قانع کننده منعکس کند ، به زحمتکشان تاحد ممکن اطلاعات هرچه کاملتری بدهد ، ماهیت مبارزه شان را روشن سازد ، مفهوم و معنای تحولات و تغییرات واقعی را که در سوسیالیسم روی میدهد و هدفهای سوسیالیسم و هر آنچه را که در جامعه مامرتقی و دموکراتیک است بیان دارد

سپس سخنران خطاب به تمام روزنامه نگاران یونانی که کشور خود را دوست دارند و برای استقلال ملی و کاهش تشنج ارزش قائل هستند از آنها خواست در باره خطر مرگبار جنگ هسته ای واقعیات را بنویسند و سهم خود را در مرتبدیل شبه جزیره بالکان و دریای مدیترانه به منطقه خالی از سلاح هسته ای ادانند و در راه پیروزی صلح و همکاری بین المللی در روی زمین مبارزه نمایند .
وظایف مسئولیتی را که حزب در برابر " ریزوسپاستیس " قرار میدهد جمع نویسندگان و کارکنان آن شرافتمندانه انجام میدهند .

ولا دیمیرشلیمین

کارمند مجله " مسا " تل صلح و سوسیالیسم "

آتن — پراگ

اتحاد شوروی در نقطهٔ مقابل نقشه های میلیتاریزه کردن فضای کیهانی چه ارائه میکند

اکنون، اینطور که من درک میکنم، جامعه بشری بر سر دوراهی قرار گرفته است: در فضای کیهانی صلح برقرار باشد یا نباشد؟ در ارتباط با این موضوع، آنچه برای من بسیاری از دوستانم جالب توجه است، این است که موضع اتحاد شوروی چیست. این مسئله ایست که در کشور ما اخبار و اطلاعات زیادی درباره آن منتشر نمیکنند.

خوان گوئیرس. اسپانیا

پاسخی را که ما درج میکنیم، پروفیسور ویو کولوسوف، دکتر در علوم حقوق از شرکت کنندگان در مجامع بین المللی ویژه استفاده صلح آمیز از فضای کیهانی (از جمله در چهارچوب سازمان ملل متحد) و ویو رحمانین، دکتر در علوم تاریخی، شرکت کننده در کنفرانس امنیت همکاری اروپا و کنفرانس استکهلم ویژه تدابیر افزایش اعتماد، امنیت و خلع سلاح در اروپا تهیه کرده اند.

در واقع هم مسئله پژوهش فضای کیهانی و استفاده از آن یکی از حادترین مسائل زندگی بین المللی معاصر است. وضع زندگی در زمان حال، و آینده جامعه بشری ب میزان زیادی وابسته بدین است که این مسئله چگونه حل شود.

ک. تسپولکفسکی دانشمند بزرگ شوروی تیزبینانه پیش بینی کرد که زمانی فرا خواهد رسید که فضای کیهانی به انسانها گوهائی غله و قدرتی بی پایان^۱ هدیه خواهد کرد (۱). اکنون جهان در آستانه چنین مرحله ایست. ماهیت این مسئله با تمام تضادش در سخنان بنیانگذار کیهان شناسی عرض اندام میکند. تکنیک فضائی برای بهبود زندگی در روی زمین گسترده ترین

۱ - ک. تسپولکفسکی. بمن بپرسید! (سرآغازی بر رساله: نخستین مدل آتروفاک از آهن هوجی) کالوگا، سال ۱۹۱۳، صفحه ۱.

امکانات را در اختیار بشر قرار میدهد. اینک بکمال آن انواع گوناگون ارتباطات تأمین میگردد که تلویزیون مابین قاره ها از جمله آنهاست، در عین حال کشتی رانی و هواشناسی تکمیل میگردد، سطح سیاره ها برای استفاده در زمین شناسی، اقیانوس شناسی و کشاورزی بررسی و شناسایی میگردد. اینک انسانها به زیستن در اطراف کره زمین عادت میکنند. فضا شناسی شوروی با اثبات رسانید که در شرایط بی وزنی میتوان بطور شرمبخش طی چندین ماه فعالیت کرد. تسخیر فضای کیهانی میتواند بصورت تمام جامعه بشری باشد، زیرا تمام کشورها، از کوچک و بزرگ، بدون استثنا در استفاده از ثمرات دست آورد های فضا شناسی ذینفع میباشند (۱) .

در عین حال فضای کیهانی موردی برای تدارک گسترده نظامی میگردد که گامهای دستگا اداری و واشنگتن در تحقق نقشه های " جنگ ستارگان " خود بدین گواهی میدهد .

رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا ۲۳ مارس سال ۱۹۸۳ فرمان ایجاد سیستم دفاع ضد موشک مستقر فضایی را صادر کرد . مقصود از این اقدام فلج ساختن موشک های قاره پیمای هدایت شونده شوروی است تا بدین ترتیب امکان خارج ساختن سرزمین ایالات متحده از زیر ضربه تأمین گردد . نتیجه ایس کار گریز از مجازات در صورت وارد آوردن نخستین ضربه به شوروی و متحدین آنست .

بطوریکه در رپور شوروی تازه شوروی تحت عنوان (" جنگ ستارگان " : تصورات باطل و خطر های موجود) تأکید میگردد بدین ترتیب سیستم کیهانی دفاع ضد موشک ، بمنظور بر هم زدن توازن نظامی - استراتژیک بصورت ایالات متحده و ایجاد برتریهای نظامی یکجانبه است . این قبیل هدیه ها را بهیچوجه نمیتوان در زمره هدیه های دفاعی بشمار آورد (۲) .

پنتاگون با پیروی از دکترین نخستین ضربه اتعی شروع به ایجاد سیستم ضد ماهواره آمات کرد که هدف از آن " نابینا " و " ناشنوا " ساختن دشمنی است که نیروهای خود را بکمال سیستم ارتباطی و هدایت کیهانی اداره و هدایت میکند . نخستین آزمایش سیستم آمات که در سال ۱۹۸۴ انجام گردید در ایالات متحده آمریکا بمنزله " علائمی برای شروع مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی ارزیابی شد ."

۱ - هم اکنون سیستم های ارتباطی بین المللی " اینترسیوتیک " (با اشتراك کشورهای سوسیالیستی بطور عمده) و " اینتلست " (که بطور عمده کشورهای سرمایه داری و در حال رشد اعضای آن هستند) و " اینمارسات " (که در آن تعدادی از کشورهای سوسیالیستی و برخی از کشورهای در حال رشد و سرمایه داری عضویت دارند) با موفقیت کار میکنند . سیستم بین المللی " کوسپاس " و " سارسات " هم که برای پیدا کردن بموقع کشتی ها و هواپیما هائی است که دستخوش سانحه میگردد نیز بطور آزمایشی شروع بکار کرده است .

۲ - رجوع کنید به " جنگ ستارگان " : تصورات باطل و خطرهای موجود (مسکو ، سال ۱۹۸۵ ، صفحات ۱-۸) .

پیشرفت تکنیک فضائی در این جهت میتواند منجر به آن گردد که " قدرت بی پایانی " که ایجاد میشود به بلیه‌تظییمی برای کره زمین مبدل شود . مانعیت از جریان رویدادها در این سمت بسود هریک از خلقها و هریک از کشورهای است .

اتحاد شوروی که بروشنی مجسم‌سینکند میلیتاریزه کردن فضای کیهانی بجهت تاج خطرناکی خواهد انجامید همواره مُصرّاً و بطور پیگیر در جستجوی دست یافتن به توافق‌هایی در این جهت بود و هست که از گذشته شدن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی جلوگیری کند .

۱۸ مارس و ۳۰ آوریل سال ۱۹۵۷ یعنی هنوز چند ماه پیش از پرتاب نخستین قمر مصنوعی از طرف اتحاد شوروی بدور زمین ، هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در کمیته جنبه کمسیون سازمان ملل متحد ویژه خلع سلاح پیشنهاد کرد تا درباره استفاده از موشک فقط برای مقاصد صلح آمیز به یک توافق بین المللی دست یابند . در سال ۱۹۵۸ کشور شوروی روی تثبیت قدغن ساختن استفاده از فضای کیهانی برای مقاصد نظامی و گسترش همکاری بین المللی در عرصه آموزش فضای آنسوی کره زمین بموجب یک قرارداد بین المللی - حقوقی در سازمان ملل متحد اصرار میورزید . در طرح اعلامیه ای درباره خلع سلاح همگانی و کامل که از طرف اتحاد شوروی برای بحث و مذاکره در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ پیشنهاد شد تأکید میگردد که همه موشکهای نظامی با برد های گوناگون باید نابود شود و تکنیک موشکی فقط بمنزله وسیله نقلیه و تسخیر فضای کیهانی برای خیر و صلاح تمام جامعه بشری باقی بماند . طرح قرارداد مربوط به خلع سلاح همگانی و کامل بشرط کنترل بین المللی جدی که اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۲ به سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد حاوی ماده ای درباره نابود ساختن مرحله به مرحله تمام انواع سلاحها و زمین بردن و متوقف ساختن تولید تمام سیستم های حمل و نقل سلاح هسته ای و از جمله موشکهای با اندازه و برد گوناگون بود .

دولت اتحاد شوروی بمنظور ایجاد مانع و رادع قابل اطمینانی بر سر راه تمایلات مبدل ساختن محیط اطراف کره زمین به عرصه مسابقه تسلیحاتی و یا بدتر از آن به عرصه رویارویی نظامی در طرح قرارداد جهانی درباره عدم استفاده از قهر در مناسبات بین المللی ، عدم استعمال نیروهای نظامی با استفاده از هنر و سلاحه ای که میخواهد باشد (از جمله سلاح هسته ای و سایر وسایل نابودی جمعی) در فضای کیهانی را پیش بینی کرده بود (طرح در سال ۱۹۶۶ به سازمان ملل متحد عرضه شده بود) .

برای تحقق برنامه صلح سالهای ۸۰ که از طرف بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصویب رسید (فوریه سال ۱۹۸۱) اتحاد شوروی مجموعه پیشنهاداتی را ارائه

کرد که هدف از آنها متوقف ساختن مسابقه تسلیحاتی و فراهم آوردن شرایط برای برداشتن گام هائی در جهت خلع سلاح واقعی بود. از جمله با توجه به خطری که نقشه های میلیتاریزه کردن فضای کیهانی که ایالات متحده آمریکا انجام آنها را در نظر دارد، اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۱ به سازمان ملل متحد طرح قرارداد قدغن ساختن استقرار هر نوع سلاحی در فضای کیهانی را ارائه داشت، اندیشه این طرح از طرف اکثریت قاطع کشورهای مورد تأیید قرار گرفت.

در سال بعد اتحاد شوروی پیشنهاد کرد گامی فراتر نهاده شود و قرارداد دیگری در قدغن ساختن کما بهر قوه قهریه در فضای کیهانی و از آنجا علیه کره زمین منعقد گردد و خود نیز متعهد گردید در استقرار هیچ نوع سلاح ضدمهاواره در فضای کیهانی پیشدستی نکند. به عبارت دیگر اتحاد شوروی بطوریکه پرتاب این قریل سلاحها را تا زمانی که سایر کشورها و از جمله ایالات متحده آمریکا از استقرار سلاح ضدمهاواره در فضای کیهانی خود داری کنند، متوقف ساخت.

در سال ۱۹۸۴ نخستین کمیته مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح قطعنامه ای را که اتحاد شوروی ارائه کرده بود مورد بحث و مذاکره قرار داد. قطعنامه دربار "استفاده از فضای کیهانی فقط برای هدفهای مسالمت آمیز و خیر و صلاح جامعه بشری" بود. در این سند قید میشد که کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی به افزایش شدید خطر جنگ هسته ای منجر میگردد، و در نهای کاهش و محدود ساختن تسلیحات بطور کلی از زمین می برد و در راه همکاری بین المللی بمنظور تسخیر مسالمت آمیز فضای کیهانی موانع بر طرف نشدن بوجود میآورد. قطعنامه "جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی" را نمایندگان ۱۵۰ هیئت نمایندگی مورد تأیید قرار دادند (ایالات متحده آمریکا از آن پشتیبانی نکرد)، و قطعنامه "همکاری بین المللی در استفاده از فضای کیهانی برای مقاصد صلح آمیز" بدون رأی گیری با توافق آراء بتصویب رسید. بالاخره، اتحاد شوروی در ژوئیه ۱۹۸۵ بطوریکه انجام هرگونه آزمایش هسته ای را تا اول ژانویه سال ۱۹۸۶ متوقف ساخت.

در نتیجه ابتکارهای اتحاد شوروی، سایر کشورهای سوسیالیستی و پشتیبانی نیروهای صلح دوست تاکنون یک سلسله موافقت نامه در مورد استفاده از فضای کیهانی برای مقاصد صلح آمیز باضا رسیده که علاوه بر مسائل دیگر حاوی موازینی میباشد که تا حدود معینی امکان استفاده از آن برای مقاصد نظامی را محدود میسازند. صحبت بر سر حذف فضای کیهانی از عرصه آزمایش های هسته ای، قدغن ساختن پرتاب هر نوع مهاواره ای که حامل سلاح هسته ای یا هر نوع سلاح نابود جمعی باشد به فضای اطراف زمین، یا استقرار آنها در اجرام سماوی و در فضای کیهانی به نحوی از آنهاست. همچنین اجازه داده نمیشود که از فضای کیهانی بمنظور هدایت پروسه های طبیعی

در راه‌نیات سوء استفاده شود .

تمام موازین حقوق بین المللی فضای کیهانی تحت تأثیر اندیشه‌های مترقی که (باید براین نکته تأکید کرد) بطور پیگیر از طرف اتحاد شوروی و تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی دنبال میشد فرمول بندی شده است . کاملاً طبیعی است که این موازین ، هر اندازه هم که محدود باشند ، تاکنون نقش روزافزونی در جلوگیری از رقابت نظامی در فضای کیهانی جلوگیری کرده اند .

توافق‌های دوجانبه شوروی و آمریکا از جهات مهم مبارزه در راه فضای کیهانی مسالمت‌آمیز است . در سال ۱۹۷۲ قرارداد موقتی درباره برخی تدابیر در عرصه محدود ساختن تسلیحات استراتژیک تعرضی (سالت - ۱) و در سال ۱۹۷۹ قرارداد محدودیت تسلیحات استراتژیک تعرضی (سالت - ۲) با مضاف رسید (۱) . قرارداد دیگری در باره محدودیت سیستم دفاع ضد موشک در سال ۱۹۷۲ و پروتکل تکمیلی آن در سال ۱۹۷۴ میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا با مضاف رسیده از اهمیت ویژه ای برخوردار میباشند ، طرفین موظفند سیستم‌های دفاع ضد موشک صرفنظر از انواع گوناگون استقرار آنها (از جمله در فضای کیهانی) یا اجزای و بخش‌های آنان سیستم‌ها را نه ایجاد کنند ، نه آزمایش نمایند و نه مستقر سازند . مشی کنونی واشنگتن یا مشی " جنگ ستارگان " در جهت نقض مستقیم این مواد است .

در ژانویه سال ۱۹۸۵ اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا مشترکاً هدف‌های مذاکرات ژنو را معین کردند . این هدف‌ها عبارتند از " تنظیم و تدوین توافق‌های شریک‌ش در جهت جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی و متوقف ساختن آن در روی زمین ، محدودیت و کاهش تسلیحات هسته‌ای و تحکیم ثبات استراتژیک " (۲) . ولی فعلاً جریان مذاکرات بر این گواهی میدهد که ایالات متحده آمریکا عمداً از بحث و مذاکره شریک‌ش و انجام این مجموعه وظایف سر باز میزند . بطوریکه رفیق م . س . گارباچف در بی‌رحم‌ترین کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت مسئله مانع‌اندازی میلیتاریزه شدن فضای کیهانی نیازمند برخوردی دلیرانه است .

در این مورد ، تصور نمیرود که معیارهای گذشته و تصورات کوتاه‌بینانه درباره منافع و برتری‌های یکجانبه که در عین حال واهی و بی‌پایه اند ، قابل انطباق باشند . اکنون ، بیش از هر زمان دیگری سیاستی در وړاند پشانه مبتنی بر درک واقعیات و خطراتی که ماناگزی‌پرورد با آنها روبرو خواهیم شد ضروری است .

۱ - (سالت - ۲) بحالت عدم موافقت ایالات متحده آمریکا با تصویب آن رسمیت قانونی نیافته است .

۲ - پروادا ، نهم ژانویه سال ۱۹۸۵ .

این خطرات واقعیت خواهد یافت ، اگر امروز کسانی که میتوانند و باید یگانگی تصمیم درست را بگیرند از مسئولیتی که بعهد آنهاست سرپیچی کنند (١) .

تاریخ برای گواهی میدهد که عاقلانه‌ترین است که توافق بعمل آید که هیچ تسلیحاتی موجود آورده نشود تا اینکه بعداً در جستجوی راههای نابود ساختن آنها برآیند . کوشش برای دست یافتن به استقرار رژیم فضای کیهانی مسالمت آمیز اکنون که هنوز در آنجا وسایل ضربتی کیهانی استقرار نیافته ضروریست . درست بهمین سبب مبارزه اتحاد شوروی و سایر نیروهای صلح دوست علیه میلیتاریزه شدن فضای کیهانی ، اینک بویژه اهمیت فراوانی برای سرنوشت تمام جامعه بشری کسب میکند .

بقیه از صفحه ٢٩

ایدئولوژیک را کنار نهاد و تلاشهای خود را برای دست یافتن به خواست درجه اول ، یعنی بقای جامعه بشری متمرکز کنند . در عین حال ما موظفیم بطرز قانع کننده و مفهومی باثبات رسانیم که آنتی سوویتسیم خطری جدی است و مانعی در راه متوقف کردن تولید سلاح هسته ای ، خلع سلاح و کاهش تشنج بین المللی میباشد .

ایجاد ائتلاف دوطبقی سراسر کانادا برای صلح با برنامه ای مشترک گام مهمی در راه وحدت طرفداران صلح میباشد . این اندیشه در خطوط مشخصی در حال شکل گرفتن است ، میان گروههای گوناگون مخالف جنگ بر سر انجام دیداری در نوامبر امسال در تورنتو توافق شده است و هدف آن بنیانگذاری چنین ائتلافی است . سیر رویدادها بدینصورت امکانات بالقوه زیادی ایجاد میکند ، زیرا امکان میدهد تمام جنبش دفاع از صلح را در اطراف این خواست متحد کرد که سیاست خارجی کانادا به عامل صلح و امنیت بین المللی و ملی مبدل گردد .

خبرهای کوتاه

ابتکار مشترک

در برلین وین طرح "قرارداد برای تشکیل یک منطقه خالی از سلاح شیمیایی در اروپا" انتشار یافت. این طرح بوسیله یک گروه کار از حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب سوسیال دموکرات آلمان تهیه و تدوین شده بود. ارگانهای رهبری هر دو حزب اظهار امیدواری میکنند که موافقت نامه تکانه ای به مذاکرات میان دولت های ذینفع بدهد و توجه کنفرانس خلع سلاح ژنورا بخود جلب نماید.

برزیل

حزب کمونیست برزیل اطلاع داد که حضار است همراه با سایر نیروهای دموکراتیک در انتخابات ارگانهای حاکمیت محلی که برای اواسط نوامبر امسال معین شده، شرکت کند.

ژاپن

در ریلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن تصمیم گرفته شد که کنگره هفدهم حزب کمونیست ژاپن در نوامبر سال ۱۹۸۵ در آتامی تشکیل گردد. علاوه بر گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن در نظر است در کنگره مسئله انجام برخی تغییرات در برنامه و اساسنامه حزب هم مورد بحث و مصادره قرار گیرد. کمیته مرکزی اعضای حزب را فراخواند تا در وران پیش از تشکیل کنگره جنبشی را برای افزایش تعداد اعضای حزب تا ۵۰۰۰۰ نفر و افزایش تعداد خوانندگان روزنامه های ارگان حزب تا ۴ میلیون نفر آغاز کنند.

فرانسه

در شامینی - سور - مارن، در ناحیه "کمریند سرخ" پاریس نخستین موزه ملی تاریخ مقاومت گشایش یافت. موزه بکمک اعانه داوطلبانه اهالی که جمع آوری آن از طرف کمونیست ها سازمان داده شده بود، ساخته شده است.

کوبا

کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا با در نظر گرفتن لزوم تهیه دقیق اسناد مهم حزبی و بحث و مذاکره آنها در حزب (در درجه اول برنامه حزب) تصمیم گرفت سومین کنگره حزب کمونیست کوبا را که قرار بود در دسامبر ۱۹۸۵ تشکیل گردد تا (چهارم - هفتم) فوریه سال ۱۹۸۶ بتأخیر اندازد .

مکزیکو

دو دهه هزار نفر از اهالی مکزیکی از جشن سنتی حزب سوسیالیست متحد مکزیکی که در زیر شعار " مبارزه علیه امپریالیسم " برگزار گردید ، دیدن کردند . در آنجا دیدارهایی با رهبران حزب سوسیالیست متحد مکزیکی صورت گرفت و محادثات و " میزگردی " تشکیل گردید که در آنها مسائل حاد بین المللی و مسائل داخلی که مورد توجه محافل اجتماعی مکزیکی است مورد مذاکره قرار گرفت .

اسپانیا

در مادرید جشن سنتی حزب کمونیست اسپانیا برگزار گردید . هزاران نفر از ساکنین پایتخت و نمایندگان بیشماری که از تمام نقاط کشور آمده بودند از هم‌آفرینه دیدن کردند . این غرغه هابه سازمانهای حزبی ایالات ، نمایشگاه ارگان حزب کمونیست اسپانیا بنام " موند و اُبررو " اختصاص یافته بود . در یکی از غرغه های بین المللی و پترین های روزنامه های احزاب برادر و جنبش های آزاد بیخشم ملی قرار داشت . در میدانهای ویژه هنرمندان حرفه ای و آماتور اسپانیایی و نیز هنرمندان خارجی برنامه های متنوع هنری اجرا گردید .

آنگولا

کمیته مرکزی حزب ام . پ . ال . آ . و حزب کارآنگولا تصمیم گرفت در مین کنگره نویسی خود را در دسامبر سال ۱۹۸۵ تشکیل دهد . کنگره فعالیت های حزب و ارگانهای دولتی طی دهمال موجودیت مستقل کشور را ارزیابی میکند ، جهات اساسی تکامل و پیشرفت آتی اقتصاد را بتصویب میرساند و در برنامه و اساسنامه حزب تغییراتی میدهد .

بلغارستان

حزب کمونیست بلغارستان در تهیه و تدارک سیزدهمین کنگره خود به بهبود کیفی ترکیب حزب و افزایش و تکمیل صفوف آن توجه فراوانی مبذول میدارد. در ژوئیه سال جاری حزب کمونیست بلغارستان بیش از ۹۱۲۰۰۰ نفر را در صفوف خود متحد میساخت که ۸۷۰۰۰ نفر بیشتر از سال ۱۹۸۱ است. ۵۳ درصد از کسانی که در این دوران به عضویت حزب پذیرفته شده اند، کارگر هستند.

کنگو

بیش از ۱۵۰۰ نفر از اعضای حزب کارکنان کنگوا سال ۱۹۷۹ به اینطرف مدرسه عالی حزبی را در برازاویل با تمام رسانده اند. اکنون مدارس حزبی در تمام نه مرکز ایالتی کشور هم تأسیس شده است.

لبنان

حزب کمونیست لبنان همراه با برخی از احزاب و سازمانهای مترقی دیگر به عضویت جنبه اتحاد ملی درآمدند. این اتحاد در اوت سال جاری در اجلاسیه نمایندگان نیروهای میهن پرست متعلق به مجامع مسلمان و مسیحی لبنان تأسیس گردید. کمونیست ها تشکیل جنبه را بمثابه گام قاطعی در راه تهیه و تدوین برنامه ای دموکراتیک ارزیابی میکنند که پاسخگوی منافع اکثریت قاطع اهالی لبنان است.

لوکزامبورگ

حزب کمونیست لوکزامبورگ پشتیبانی خود را از اندیشه ایجاد یک منطقه خالی از سلاح شیمیایی در اروپای مرکزی اعلام کرد. بطوریکه کمیته اجرائیه کمیته مرکزی حزب کمونیست لوکزامبورگ خاطر نشان ساخت، دولت لوکزامبورگ هم اکنون هم میتواند برای تحقق این ابتکار کمک لازم را مبذول دارد و بطوریکه جنبه آمادگی خود را برای اینکه سرزمین لوکزامبورگ رایه چنین منطقه ای مبدل کند اعلام نماید.

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۸۵ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

**Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world**

No 9 ; 10 1985



انتشارات حزب توده ایران